

# رساله سازمان شیکاگو

ببروانه به

## سینار پیش‌کنگروه سازمان امریکا

کنگره ۲۳

۲. دت ۱۹۷۵

مگر مبارزه چیست؟ تسلیم نشدن بهر آن چه که با رشد و تکامل در تضاد است. بهر آنچه باس آور است و سخن از مرگ و خاموشی میگوید هر محیطی بنا بشرايط خود شکل مناسبی از مبارزه را می طلبد. انقلابی راستین کسی است که در هر محیط بنا به مقتضیات زمان، مسئله اساسی مطرح شده در آن محیط، پاسخ درستی بدهد.

حماسه مقاومت، رفیق اشرف دهقانی



رفقا رساله‌ای که اکنون در دست شما است از طرف بحثی از خط‌رزننده (در شیکاگو) برای ارائه به سمینار پینر کنگره کنگره بیست و سوم سازمان امریکا تهیه شده بود. اما همانطور که خوب میدانید و اکثر شما هم شاهد آن بودید قبل از آنکه فرصتی برای ارائه رسالات بوجود آید انشعاب از طرف جبهه مؤلفه راست به کنگره ما تحمیل شد. انواع بازیهایی که در این جهت کثیف فحاشیها برخوردارهای فیزیکی حرکات غیر سیاسی صرف همه و همه تلاشهایی بودند که در پرتو آنها راست روان از بحث سیاسی فرار میکردند. برای این ورزشکستان سیاسی همه چیز قابل تحمل بود بجز بحث سیاسی. در بحث سیاسی بود که به آنها حالت اختناق دست‌بنداد دست‌پاچه میندند و مستاصل.

روز اول سمینار به بهانه اینکه هیات مسئولین کنگره راسیون باید صحبت کنند ارائه رسالات را بتعویق انداختند اما این هم راه فرار مناسبی نبود. عصر همانروز یکی از هیات مسئولین کنگره راسیون بحث خود را شروع کرد و واضح بود که میرفت در روز غم‌آلودشان آنها. صبح روز دوم پشتک واروها شروع شدند و دیوانه‌وار فریاد میزدند و هوجبی گری میکردند و بالاخره بسیاری از اعضای کنگره راسیون را ارتجاعی و در خدمت رژیم نامیدند تا جلوی ارائه بسته‌های مسئولین و کار سمینار را بگیرند. این بازیهایی عوامفریبانه تنها راههایی بودند که برای آنها ممکن بود پروسه انشعاب را تسریع کنند. این درماندگان سیاسی چاره دیگری نداشتند، مگر میتوانند بحث در مورد حل واقعی بحران کنگره راسیون را تحمل کنند؟ خطر راست که مفتضح تر از آن بود که قابل دفاع باشد و میانه‌های سابق هم دست خود را کاملاً باز و افشا شده میدیدند. مگر سابقه آنها در مورد مبارزه مسلحانه قابل دفاع بود؟ مگر رابطه خطر راست با اکثر لیگ قابل دفاع بود؟ مگر ائتلاف نامقدس راست میانه قابل دفاع بود؟ آنها توده‌هایشان را با بروغ و دغل - تا آنجا که زورشان میرسید - پر کرده بودند و مگر میشد حالا بگذارند توده‌هایشان راساً قضاوت کنند؟ نه و ابدانه اینکار برای راست روان اختناق آور و خفه کننده بود.

در هفته‌های آخر قبل از انشعاب سران خط میانه سابق مزبورانه به توده‌های خود و به رفقای ما قول میدادند که در کنگره موضعی قاطع خواهند گرفت، با خطر راست مبارزه خواهند کرد، چنین و چنان خواهند کرد. ما در همان موقع می‌گفتیم که اینها در باغ سبز نشان دادن هستند، می‌گفتیم که مبارزه سیاسی با قول و قرار و وعده و عهد سرخرمن متفاوتند، و نظر ما بهتر از آن درست از آب در آمد که قابل انکار باشد. ما دیدیم که کنگره انشعابی نه تنها به طرف سیاسی راست دست‌نبرد بلکه همان سردمداران همکاری با اکثر لیگ را دوباره در رهبری سازمانی خود قرار داد.

یک نکته بسیار مهم در مورد انشعابگران برخوردار فرصت طلبانه آنها به مبارزه مسلحانه بود. همه کسانی که در مبارزه چند ساله اخیر کنگره راسیون بوده‌اند، بخوبی میدانند که راست روان جبهه ائتلافی در طی این چند سال از هیچ کوششی برای تحریف و تخریب بروغ و شایع‌پراکنی در مورد مبارزه مسلحانه خلق‌ما فروگذار نگردانند. و در این مورد اصناد فراوان کنگره راسیونی و خارج کنگره راسیونی شاهد مدعا هستند. اما پیروزیهای چشمگیر مبارزه مسلحانه در داخل کشور و اقبال وسیع توده مردم منجمله دانشجویان در ایران و خارج از کشور - بسوی مبارزه مسلحانه و تئوریش - رهبران پاندولی را وادار به تغییر موضعی اپورتونیستی کرد. آنها که جرات و شهامت انتقاد از خود را ندارند، هنوز هم شوریهایی النقطی

واستقراضی نیم قرن گذشته را برای جامعه ما تبلیغ میکنند و در عین حال ورزشکستی مواضع خود را شاهدند، به دست و پا  
 انانند که توده دانشجویی را در مورد ماهیت واقعی نظرات خود فریب دهند و با لاف برای مدتی هر چند کوتاه ماهیت  
 نظرات التقاطی و استقراضی خود را از توده دانشجویی مخفی کنند. و البته با کوتاه بینی خاص اکثر متزلزلین در تاریخ به ظواهر  
 قضیه چسبندند. همانهاییکه تا دیروز شعار "چریک مسلح رزم نو پایدار" را (که از طرف رفقای ما خوانده میشد) میگفتند -  
 ریستی ارزیابی میکردند در کنگره انشعابی این شعار را بعنوان شعار سازمانی خود انتخاب میکنند، از چاپ پیام های  
 چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق به کنگره های کفدراسیون دم میزنند و . . . نوگویی که با این اعمال خواهند توانست  
 توده دانشجویی را بفریبند. زهسی خیمه ال باطل / مهمترین و اساسی ترین دفاع از مبارزه مسلحانه تبلیغ دستاورد  
 ورد های آنست. حداقل کاری که میتوان در خدمت مبارزه مسلحانه انجام داد جلوگیری از تعریف آن و شایعه راکتی و دروغ  
 گوئی در مورد آنست و اینها خود "اینکاره اند". انشعابگران ادعا میکنند که از نظر تئوریک مخالف مبارزه مسلحانه هستند  
 ولی "در سطح دموکراتیک" از آن دفاع خواهند کرد. مگر نمیدانند که الان عالمترین و بزرگترین مبارزه ای که در ایران در  
 جریانست همین مبارزه مسلحانه است؟ و مگر میتوانند از یکطرف آنشعابهای التقاطی خود را بعنوان تئوری بخورد توده دانشجویی  
 بدهند و از طرف دیگر همان توده را برای مدت طولانی برای دفاع قاطع از مبارزین مسلح درگیر کنند؟ ابدانسه و این  
 تازه در صورتی بود که آنها صادقانه میخواستند اینکار را بکنند نه اینکه عوامفریبانه تنها دم از آن بزنند. این تضاد درونی  
 در تئوری و ادعا بسیار کشف شده است و هر کس که فکر میکند میتواند سر تاریخ را هم کلاه بگذارد ابلهیی کونه بین پیش نیست که  
 با در آینده نزدیک از تاریخ درس خواهد گرفت و با با طرز سرد زبانه دان تاریخ فرود خواهد آمد.

راحتهای انشعابگر فکر میکنند که با این شعارها و زستهای اپورتونیستی قضیه حل شده است. حال اینکه هنوز اینها  
 اندر خم یک کوچفاند. همه اینها همه این شعارها پیشین ارزش نخواهند داشت مگر آنکه در پروسه مبارزه بد آنها عمل  
 شود. و اما مبارزه بهتر است اول به مبارزه و وظیفه کفدراسیونی خود در قبال آن بپردازیم.

مگر مبارزه چیست؟ مگر نه اینکه مبارزه براه انداختن جنبشی بر علیه رژیم پهلوی و اربابان امپریالیستش میباشد؟ در  
 روند این مبارزه است که انحرافات درون جنبش دانشجویی مطرح میشوند و باید با آنها برخورد کرد. وظیفه ما تبلیغ  
 و ترویج مبارزه وسیع مبارزه بر علیه ضد خلق است. بر علیه آنهاستیکه با خلق تضاد آشتی نا پذیر دارند. ما انرژی و  
 خلا قیبت خود را در خدمت این حرکت میگذازم. و در این راه اعتقاد به مبارزه مسلحانه به ما چشم انداز وسیع و جذابی  
 میبخشد که راهنمای عمل ما میگردد. تبلیغ مبارزه مسلحانه، تبلیغ دستاوردهای آن، ایجاد آمادگی و بسیج توده دانشجویی  
 برای دفاع از آن، دفاع از جنبش مسلحانه و توده های خلق عمان و . . . همه و همه سائلی هستند که احتیاج مبرم به عمل  
 ما دارند. ما این وظائف را در جلوی خود می بینیم و در عین حال واقفیم که مجموعه جنبش دانشجویی در خارج از کشور  
 نتوانسته است که برآورد و جوابگوی کامل احتیاجات مرحله ای جنبش باشد. این همه مسئله، این همه مبارزه، این همه  
 وظائفی که محتاج حرکت ما هستند و تا کنون در راهشان کاری نشده یا کم کاری شده، این همه وظائفی که ما بعهده گرفته  
 ایم و در جهت آن کار کرده ایم ولی هنوز فقط به نیمه راه رسیده ایم. کفدراسیون جهانی در طی سالها مبارزه خود به

دستاوردهای نهیمنی رسیده است . اگر تا چند سال پیش کودتای " سیا " در ایران جزو مسائل سری امپریالیسم امریکا بود که در سطح افکار عمومی جهان دانسته نبود ، امروزه جزو واضحات است که تاج و تخت شاه خائن را اربابان امریکائیش برایش گرفتارند . اگر تا چند سال پیش اسم شاه را در کنار گریه ایرانی ، قالی ایرانی ، و احتمالاً نفت ایران مجسم میکردند امروزه در افکار عمومی کشورهای اروپای غربی و امریکا اسم شاه مترادف با . . . . زندانی سیاسی ، با شکنجه ، اعدام و کشتار انقلابیون ، مترادف با خون و خونریزی است . قسمت اعظم این دستاورد ، انضای رژیم شاه خائن در اروپا و امریکا ، مرهون فعالیتهای کفدراسیون جهانی است . رفقای چریکهای فدائی خلق در توضیح اهدا " جلد سوم از سری تحقیقات روشنائی سازمان خود ( بررسی ساخت اقتصادی روستاهای فارس ) چنین مینویسند :

" ما این بررسی را که بخشی از سلسله تحقیقات سازمان ما در شرایط عینی جامعه است به کفدراسیون

جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی برای ناپدید فعالیتهای دموکراتیک آن و دفاع موثر آن  
از مبارزین خلق یعنی نویسندگان ، سخنرانان ، تظاهرات ، اعتصابات و اشغال اعتراضی سفارتخانهها و

کمیوسکریهای شاه خائن تقدیم میکنیم . " ( تاکید از ماست )

ما به این سند ، به پیامهای سازمانهای چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق که به کنگرههای ما فرستادهاند افتخار میکنیم . این اسناد نشان میدهند که نیروهای انقلابی درون کشور نیز کار ما را تایید میکنند . اینها همه درست و امسا - و این امای بسیار مهمی است - ما هنوز تازه کارمان را شروع کرده ایم . در جلوی ما عده ها فعالیت میدهند و هزاران آکسیون ، جلسه ، اعلامیه و . . . . قرار دارد . ما باید بتوانیم شاه خائن را ، جنایتهاش را ، خیانتهاش را ، خطراتش را ، برای خلقی ایران و خلفهای منطقه و جهان ، افشا ، عام کنیم و معروف عام و خاص کنیم . ما باید ماهیت کثیف و خائن او را به توده دانشجوی ایرانی ، به سازمانهای مترقی و به افکار عمومی جهان بشناسانیم . علاوه بر آن ما باید مبارزه توده های خلق را تبلیغ کنیم ، همه جا و همه کس باید از مبارزه خلقی ما آگاه شوند . توده دانشجوی ایرانی ، سازمانهای مترقی و ضد امپریالیستی و افکار عمومی جهان باید آگاه شوند که مبارزه ای بس عظیم در مملکت ما در جریان است باید از شرایط زندگی مردم و زحمتکشان ، از فقر و فاقه ، از اختناق و جنایت رژیم پهلوی آگاه شوند ، باید از مقاومت و مبارزه توده های زحمتکش خلقی ما آگاه شوند ، باید مبارزه کارگران ، دهقانان ، پیشموران ، روشنفکران ، روحانیت مترقی و خلاصه تمام اقشار و طبقات خلق را بدانند . در این شرایط که این مبارزه سلحشانه و این عالمین و قاطعترین مبارزه برای رهائی خلق از بند های استعمار ، از بند های امپریالیسم و ارتجاع در مملکت ما ریشه دوانیده ، سازمان یافته و با بینش عینی و آستی ناپذیر کلیه حل مشکلات و معضلات خلقی را یکپارچه پیروزی انقلاب ما را ارائه داده است ، در این شرایط که روزنامه های امپریالیستی هم مجبور میشوند بوجود این مبارزه قاطع در ایران اعتراف کنند ( و این سلما عده تا دستاورد خود مبارزین و سازمانهای انقلابی درون کشور خود خلق مبارز ما در درون کشور است که وجود خود را بر ارتجاع و امپریالیسم تحمیل کرده است ) ما وظیفه ای بس عظیم و خطیر بدونگذ داریم . ما باید تبلیغ این مبارزات را بسج کنیم . ما باید بیان توده های دانشجوی ایرانی به سازمانهای مترقی و ضد امپریالیستی و بیان توده های مردم در کشورهای اروپا و امریکا رفته و این مبارزه را به آنها بشناسانیم .

ما باید حقایق این مبارزه را بدانها اثبات کنیم . ما باید بتوانیم سمیاتی ، پستیهای و حتی در صورت امکان کتک مستقیم آنها را بدین مبارزات جلب کنیم . رفقا ما بساید توفان بها کنیم . ما باید تا آنجا که ممکن است از لریقی "نوشته سخنرانیها تظاهرات اعتصابات و اشغال اعتراضی سفارتخانهها و کسولگریهای شاه خائن " و یا از هر طریق ممکن دیگر با رژیم شاه خائن و اربابان امپریالیستی این مبارزه کنیم . و این مبارزه را در سطوح مختلف تا سرنگونی رژیم خائن پهلوی تا کوتاه شدن دست غارتگران امپریالیست از ایران ، تا نابودی امپریالیسم جهانی ادامه دهیم .

رفقا ! رشد مبارزه مسلحانه رژیم خائن و دشمن پهلوی و اربابان امریکائیش را بشدت به ترس و وحشت انداخته است . ضد انقلاب بد نیست که با ترس از تجربه ویتنام و ترس از تکرار آن در ایران و خاورمیانه دست به تدارکی بس عظیم و وسیع زده است . رژیم شاه اکنون ژاندارم خلیج فارس ( و حتی اقیانوس هند ) شده است . منابع نفتی ما را غارت میکند و با بخشی از پول آن بلیونها دلار اسلحه به ایران سرانیز میکند . این اسلحهها همراه سربازان و افسرانی که به آنها مجهز میشوند فقط برای خدمت به ارتجاع و امپریالیسم بکار میروند . ناوگان دریائی ایران هر روز از روز قبل بزرگتر میشود اما این ناوگان بیقواره نه برای خدمت به مردم زحمتکش ما بلکه برای دفاع از منافع امپریالیسم امریکا در مقابل رشد مبارزات انقلابی خلقهای منطقه و در هنگامه رشد ناوگان دریائی شوروی در منطقه اقیانوس هند تدارک دیده میشوند . سیاستهای ضد خلقی شوروی که در رقابت با امریکا انجام میگیرند امپریالیسم امریکا را وادار کرده است که خود را برای تجاوزات بعدی و مقابله با شوروی بیش از گذشته تجهیز کند . اما این بار منابع ملی ما را بخارت میبرند ناوگان دریائی ایران را بوجود میآورند که در حقیقت از مردم سلکت ما گوشت دم توپ بسازند . ارتش تجاوزگر شاه را با این سلاحها مجهز میکنند و به فرمان امپریالیسم امریکا برای دفاع از منافع امپریالیستها به عمان گسیل میدارند ، متخصصین امپریالیستی و صهیونیستی سازمان امنیت شاه را تربیت میکنند و حتی عملا خودشان رهبری کننده و گرداننده و اجرا کننده میشوند و همین منظور که ایران را لانه جاسوسی خود کنند هلمز رئیس سابق " سیا " - مسئول سابق آنچه که در اصطلاح خود " سیا " آنها " عملیات کثیف " مینامیدند - را به سفارت امریکا منصوب مینمایند . بلیونها دلار اسلحه به ایران سرانیز میکنند و همراه آن بهش از ۲۰۰۰۰ نظامی امریکائی را در ایران جمع کرده اند . و این همه از ترس مبارزه خلقی . و باز ما میدانیم که رشد مبارزات خلقی بیروزهای چشمگیر مبارزه مسلحانه آنها را مجبور خواهد کرد هزاران هزار سرباز دیگر را نیز به ایراب بفرستند و ویتنام دیگری را برپا کنند ( همانطور که اعلامیه مجاهدین خلق نقل شده در متن رساله بدقت اشاره میکند انقلابیون در ایران و منطقه هم مطمئنند که ویتنام و ویتنامهای دیگری را برپا کنند ، ویتنامی از انقلاب مسلحانه توده ای - ویتنام امپریالیستها چیز دیگریست که در سیاستهای " ویتنامیزه " کردن و تجاوز نظامی چند صد هزار نفره در بهاران و کشتارهای وحشیانه تجلی پیدا میکند . واضح است که بین این دو تفاوت فراوان وجود دارد . اولی مسلما بیروز میشود و دومی مسلما به شکستی فاجعه آمیز منجر میگردد ) ما باید در جلوی این تجاوزات امپریالیستی مقاومت کنیم . ما باید هر فرار از امپریالیستی با رژیم شاه را الفنا کنیم با آن مبارزه کنیم و در حد امکان از آن جلوگیری نمائیم . ما باید با همکاری امپریالیستها صهیونیستها و ارتجاع ایران مبارزه کنیم و با لاقط اجرای آنها بر اینان شکل کنیم .

این همه مسئله این همه کار گوشه‌ای از وظایف ما و آنهم فقط در مورد ایران است . شبیه همین سائک هم در مورد عمان مطرح هستند . ما باید شرایط زندگی مردم و زحماتشان، تجاوز امپریالیستهای انگلیس و امریکائی، رژیم خائن سلطان قابوس و تجاوز ارتش مزدور شاه را افشا کنیم، با آنها مبارزه کنیم . ما باید مبارزات خلق عمان و سازمان رهبری کننده آن جنبه خلق برای آزادی عمان را به توده‌های دانشجوی ایرانی بشناسانیم و وظایف آنها را در قبال این مبارزات توضیح دهیم . ما باید در خدمت معرفی جنبه خلق و مبارزات خلق عمان به جهان و جهانیان قرار بگیریم . ما باید بتوانیم دفاع وسیع توده‌ای از این انقلاب مسلحانه و توده‌ای خلق قهرمان عمان را سازمان دهیم .

ما باید به وظایف خود در صحنه عظیم سائک، گوناگون و پیچیده بین‌المللی عمل کنیم . و برادریانکار باید رابطه

منقابت این انقلابات را با انقلاب خلق خود عمیقاً درک کنیم .

ما باید با آگاهی به نقاط ضعف خود و کوشا برای برطرف کردن نقاط ضعف خود در ضمن این مبارزه به پیشرویم . و در این راه انتظار مشترک و مصائب فراوانی را هم داشته باشیم . و از آنجا که این مشکلات و مصائب در خدمت انقلاب مسلحانه و توده‌ای خلقی ما و خلقهای جهان است، از آنجا که این گرفتاریها در خدمت سرنگونی رژیم دامنش‌پهلوی قرار میگیرد، ما باید همه آنها را با جان و دل بپذیرا باشیم . ارتجاع ایران از هیچ گونه کوششی برای درهم شکستن ما خودداری نمیکند، دستگاههای امپریالیستی امریکا هم مسلماً انواع دامها و دوز و کلکها را برای ما برپا خواهند کرد . اما همانطور که تاریخچه چند سانه کفدراسیون نشان میدهد ما باز هم میتوانیم پیروز شویم . و نه تنها به مبارزه خود ادامه دهیم بلکه آنها هرچه رزمنده تر و قاطع تر و سیختر و توده‌ای تر بنمائیم . ما باید با همه نیروهای حقوقی و ضد امپریالیستی که در این راه حاضر به همکاری با ما هستند در چهارچوب موازین کفدراسیون و جنبش خلقی وحدت کنیم و در مقابل تمام دشمنان خلق و انقلاب را مورد هجوم قرار دهیم .

ما از اینکه در این راه دستگیری بدیم، با پلیس امپریالیستی روبرو بشویم و یا گرفتار مشکلات دیگری گردیم باکی

نداریم . اما همانطور که منطقی همیشه کفدراسیون بوده است ما باید از فعالیتهای خود ارزیابی کنیم انرژی و

امکانات خود را در خدمت مبارزه آنچنان که در بالا توضیح دادیم قرار دهیم . و در این صورت است که در راه مبارزه

با امپریالیسم و ارتجاع دستگیری دادن و درگیری را صحیح و مثبت ارزیابی میکنیم . و آن هم بدین معنی است که پلیس

ما را دستگیر کند، پلیس امپریالیستی خود شوراها را بعمل نماند . و نه اینکه ما عاقدانه دستگیری بدیم و تصور کنیم که از

این طریق وظیفه‌ای را انجام داده‌ایم . این گونه دستگیری دادنها فقط برای صرف داخل سازمان و یا داخل جنبش

بوده به امر مبارزاتیها کمک نکرده و انرژی خلاق توده‌ها را بصورتی غیر مسئول و بدنیان مسائل سکتاریستی و گروهگرا-

بیانه به هدرداده است .

یک سؤال دیگر باقی میماند و آن اینکه سیاست ما در برخورد به انشعابگران چگونه باید باشد . ما همانطور که در

کنکره شانزدهم کفدراسیون و حقوقی از آن هم اعلام کرده بودیم معتقدیم که مهمترین راه مبارزه با راست‌نروان همان تشدید

مبارزه بر ضد رژیم پهلوی و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است . در زمینه این چنین مبارزه‌ایست که افشا-

گری سیاسی ما سرکردگان انشعاب را به توده‌ها شناسانیده و آنها را منفرد میکند . در طی پروسه این چنین مبارزه‌ای

همه غل و فتنها همه گونه عناصر انحرافی از گل صفوف جنبش تصفیه میشوند . و البته این چنین بر سه ای طولانی مدت است . در طول زمان و عمدتاً به نسبت مسائل مبارزاتی مطروحه سطح و نوع فعالیتها و . . . این مسئله به وقوع می پیوندد . و اما انشعابگران چه میکنند ؟ آنها فرصت طلبانه و عوامفریبانه بعضی از ظواهر مبارزه مسلحانه و شعارهای مربوط به آن را علم میکنند تا شاید بتوانند برای رکان بی آبروی خود کمی کسب اعتبار کنند . اینها ورزشکستان سیاسی هستند که بیاً ماهیت واقعی شان و ادعاهایشان دریائی فاصله است . آنها مسئله سیاسی جدی که از جامعه ما و مبارزه خلق ما سرچشمه بشیردند دارند . و نتیجتاً علیرغم صورت ظاهر رنگ و روغن زردشان بوج و توخالیند . آنها مجبورند مانورهای سیاسی انحرافی را علم کنند و از این طریق سینه از طریق بحث و مبارزه سیاسی - برای خود خوراک سیاسی تهیه نمایند . و نمونه را مثال بیاوریم :

اول فرستادگی هیات نمایندگی تحقیقی به ایران - نور رژیم در دوش پهلوی از انشای شرایط تور و اختناق ایران تا بدان حد بوده که در اکثر موارد از سفر هیاتهای نمایندگی تحقیقی به ایران جلوگیری میگردد و که اکثراً از طریق اعتناع از صدر و وزرای ورودی انجام میگرفته است . به همین دلیل در کفدراسیون قاعده بر این گذاشته شد که سفر هیاتهای نمایندگی به ایران تا هنگام ورود آنها به ایران و تماسشان با مقامات رژیم - در ایران - مخفی نگاه داشته میشد . اسال نیز از چند ماه پیش هیات مسئولین کفدراسیون انجام این چنین برنامه ای را تدارک دیده بودند و رهبران خطوط راست را ( که هنوز در آن موقع در درون کفدراسیون بودند ) از این برنامه با خبر کرده بودند . بعد از چند راست و میانه امریکا در مقابل این برنامه کفدراسیون یک برنامه آکسیونهای رها را تحت عنوان کسب ویزا برای اعزام یک هیات نمایندگی از امریکا به ایران ترتیب دادند . ما که از حد فائده و علل اصلی این برنامه از همان ابتدا واقف بودیم بساطر اینکه این برنامه ها به هر حال دارای ارزش افشاگرانه هستند در آنها با خلاقیت تمام شرکت کردیم . ولی از همان روز اول هم برابیان واضح بود که رژیم به آنها ویزا نخواهد داد . خود رهبران راستروان هم از روی تجربه گذشته این قضیه را میدانستند و با تمام اینها دست به این کار زدند . چرا ؟ زیرا که برای اختلافات درون کفدراسیون احتیاج به خوراک داشتند . هیات نمایندگی کفدراسیون در این مدت بدون سرو صدا به ایران سفر کرده و مراجعت نمود و هم اکنون درگیر برنامه های افشاگرانه وسیع در کشورهای مختلف اروپا است . اینست تفاوتها و برخورد به یک قضیه معین .

دوم سیاست انشعابگران بعد از انشعاب تشکیلاتی - انشعابگران که مسئله جدی سیاسی ندارند سیاست و حرکت خود را در حمله به مار دروغ و شایعه پراکنی در مورد ما، تبعیت و افترا نسبت به رفقای رزنده پایه ریزی کرده اند . اینست تفاوت و پیش . یکی معتقد به مبارزه مسلحانه و پیروزی انقلاب خلق ایران و مبارزه بر علیه رژیم پهلوی و اربابان امپریالیست را مسئله اساسی خود می بیند و دیگری که فقط در ظاهر و عوامفریبانه رد ای مبارزه را بد و در خود پیچیده و نیرو و امکانات را در حمله به ما بسیج میکند . انشعابگران تا کنون دهها بار به جلسات ما در شهرهای مختلف حمله کرده اند . در شیکاگو، اوربان، جفرسون، سنیتی، راکمبیا، اوکلاهما، نیویورک، آستین، هوستون و شمال کالیفرنیا حملات فیزیکی و ایجاد اغتشاش و زد و خورد چندین بار تکرار شده اند . و این درست چیز است که دستگاههای تبلیغاتی رژیم شاه بمنظر



سوء استفاده از آنها . همانطور که تا کنون هم یکبار این سوء استفاده را انجام داده اند . ما در همه این موارد به آنها اعلام خطر کرده ایم که به هم ریختن جلسات ایجاد گفتشاش و برخورد فیزیکی فقط در خدمت ارتجاع و امریالیم است . ما به آنها گوشزد کردیم که این حرکات نتایج بسیار ناگواری را در بر خواهند داشت که آنها دانسته و یا ندانسته عامل و سبب آن خواهند بود . ما به آنها یاد آور شدیم که مسئله ما مبارزه با رژیم پهلوی و امریالیم جهانی است و یاد آور شدیم که انشعابگران را بصورت انحرافی میبینیم که در طی یک پروسه مبارزه سیاسی افشا و منفرد خواهیم کرد و باز هم آنها را دعوت به این چنین مبارزه ای کرده ایم . اما چه انتظاری و آن هم از چه کسانی ! اینها و مبارزه سیاسی با ما ۲۲۲ اینها فقط میتوانند با ایجاد افنشاش و صحنه های غیرسیاسی ( هر چند که میدانند در خدمت رژیم قرار میگیرند ) به حیات سیاسی موقت خود ادامه دهند . این وظیفه رفقای ما است که این سیاست انشعابگران را وسیعاً در بین توده های دانشجوی افشا کنند و از این طریق آنها را مجبور نمایند که به مبارزه سیاسی تن در دهند .

رفقا! در ورانی پس خطیر و مشکل را پشت سر میگذاریم . رشد جنبش خلق و بخصوص مبارزه مسلحانه وظایف کفدراسیون جهانی را بسیار سنگین تر و پیچیده تر کرده است . از طرف دیگر راست روان که نمیتوانستند همای جنبش ما قدم بردارند با انشعاب خود از کفدراسیون جهانی اجرای وظایف ما را - بطور کوتاه مدت - در چند ان مشکل کرده اند . این وظیفه یک یک ماست که با ایمان به پیروزی خلق با ایمان به پیروزی مبارزه مسلحانه با درس گرفتن از انقلاب چین مبارزی که از همه چیز خود گذشته تا به انقلاب و خلق خدمت کنند ، کوشش خود را در چند ان نوائیم به مشکلات موقتی فائق آمده و هر چه بیشتر و بهتر از همه وظایف خود در قبال جنبش خلق با موفقیت و پیروزی بدون آئیم .

رفقا! —————  
پرواز را نگاه

پس برنده میگردنی است

کلام آخر : امید داریم که تکثیر و پخش این رساله به روشن شدن علق انشعاب و ریشه های آن کمک کند . مسلماً بسیاری نکات ثانوی در این رساله مطرح نشده اند . ولی این خود هم نشانه گونه برخورد ما به انشعاب و انشعابگران است . امید داریم این رساله رفقا را در جهت تشدید مبارزه ضد رژیم کمک کند و نه اینکه رفقا را از میدان اصلی مبارزه بدور نموده و غرق در مبارزه با انحرافات انشعابگران نماید . به هر حال این شما و این هم متن رساله

موفق باشید

جنبش دانشجویی خارج کشور و سازمان متشکل آن کفدراسیون جهانی درد وره هائی از حیات مبارزاتی خود با مشکلات و نابسامانیهای مواجه بوده که در هر دوره معین بسته به شرایط مبارزات خلق ما در داخل کشور و خواست مردم این مبارزات بسته به شرایط مادی که جنبش دانشجویی در آن قرار داشته توانسته است با اتخاذ سیاستهای صحیح و اصولی مبنی بر جویاگوشی به مردم ترین خواستههای جنبش خلق موفق به مبارزه با نابسامانیها شده و بر مشکلات موجود فائق آمده و مبارزات بحق خود را علیه رژیم ارتجاعی وابسته به امپریالیسم پهلوی <sup>و اربابان</sup> امپریالیستش سرگردانی امپریالیسم آمریکا پیروزندانه و سر بلند پیش برد .

**رفقا !** ما در شرایطی به گنگره سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا نزدیک میشویم که در سطح جهانی اوضاع هرروزه بیشتر به نفع انقلاب است . پیروزی دوران ساز انقلاب سلححانه و توده ای خلقهای وینام پکاسیج و لائوس و همراه آن شکست مفتضحانه امپریالیسم آمریکا الهام بخش تمام خلقهای ستمدیده جهان بوده و مسلما در سهای کرانه دری به خلقهای مبارز و درینند داده است . در افریقا خلقهای آنگولا، موزامبیک و کینه بیسایو استعمارگران پرتغالی را بزانو درآوردند و هرچند ارتجاع هنوز به وسیله های خود در آنگولا ادامه میدهد اما مسلما پیروزی نهائی در این کشور نیز چندان دور نیست . انقلابیون اریتره، زیمبابوی، نامیبیا و افریقای جنوبی نیز اسلحه بدست گرفته اند و وینامهای دیگری را تدارک میکنند . در امریکای لاتین مبارزات سلححانه در برزیل، نیلی آرژانتین، اروگوئه و دیگر کشورهای این منطقه نیز پید و زمندانه به پیش میروند و پشت امپریالیسم آمریکا و نوکران محلی اش را بلرزه درآورده اند . در خاورمیانه انقلاب فلسطین علیرغم همه کوششهای مزورانه ارتجاع محلی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم به مقاومت سرسختانه خود ادامه میدهد و انقلاب رهائی بخش خلق عمان نیز هرروزه بدستاوردهای جدیدی میرسد و مسلما پیروزه تمام نیروهای تجاوزگر انگلیسی آمریکائی ارتش شاه مرتد و ارتجاع محلی را بخاک میمالد . در سال گذشته اعلامیه مشترک جنبه خلق برای آزادی عمان سازمان چریکهای فدائی خلق سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمانهای جنبه ملی ایران نوید بخش مرحله ای جدید از همکاری و همگامی نیروهای انقلابی در سنج خاور میانه بود . در اعلامیه مشترک اعلام میشود

" برماست که برای شرکت کامل توده های مردم در مبارزه سلححانه برای سرنگونی رژیم های لائونجایی و وابسته گانشان و اربابان امپریالیست آنها برای تحقق آزادی و استقلال کامل و ساختمان یک جامعه نوین مرفه و آزاد قاطعانه مبارزه خود ادامه دهیم . و ما مطمئن هستیم که توده های خلق عرب در عمان و خلق ایران این وظیفه مقدس تاریخی خویشرا با انجام خواهند رسانید . "

از طرف دیگر در سطح جهان سیاستهای دولت ضد خلقی شوروی در سازش و رقابت با امپریالیسم آمریکا در طی نفوذ هر چه بیشتر نه در خدمت کتک به انقلاب بلکه در خدمت همکاری و حد اکثر رقابت با ضد انقلاب میباشد . این سیاست به امپریالیستهای جهانی امکان میدهد استراتژی غارت و استثمار خلقها و سرکوب انقلابیون را به نحو بهتری انجام دهند ولی در عین حال ما شاهد بحران شدید اقتصادی - سیاسی و اجتماعی اردرگاه امپریالیسم هستیم . این بحران و جنبشهای کارگری در کشورهای امپریالیستی همراه با جنبشهای انقلابی و آزاد بخش خلقهای تحت ستم جهان نشانه

های بارزی او مرحله زوال و نابودی امپریالیسم آمریکاست .

این شرایط انقلابی در مابین ما ایران نیز بخوبی روشن و مشهود است . جنبش نوین انقلابی در ایران هرروزه بیشتر پائزفته و علیرغم مسائل و مشکلات فراوانی که در این راه وجود داشته نهال انقلاب ما ریشه دوانیده است . جنبش نوین انقلابی ما در زمانی متولد شد که فضای مغرورانه و بدبینی بر جامعه حاکم بود . چپاولگران سرکست از پیروزی به استثمار هرچه و حشمانه تر توده زحمتکش مابین ما مشغول بودند . بخش کثیری از روشنفکران هم که در راهیابی برای حل مشکل به بن بست رسیده بودند سر بگریبان فرو برده بیحرکت و بیعمل به کتابخوانی مشغول بودند . درست در این زمان نطفه های انقلاب بسته شد و بهترین فرزندان خلق با تدارک جنگ سلححانه و باتشکیل سازمانهای سیاسی نظامی به پیکار علیه رژیم ارتجاعی ایران میروند و توده را بمبارزه ای انقلابی برای درهم نوردیدن تومار حاکمیت ننگین استثمارگران بیدان میثانند . مبارزه سلححانه پیشاهنگان خلق ناشیرو شگرف در دلهای تپشی از نور امید بجای گذاشت . عناصر آگاه از اقتدار و طبقات مختلف خلق با دگرگون شدن فضای سیاسی پابحوصه مبارزه گذاشته و بر پیتر رژیم مزدور امپریالیسم ضریان حکمی فرود آوردند . موازات توده ای اوج و گسترش نظری یافته گروهها و سازمانهای انقلابی یکی بعد از دیگری باشیوه مبارزه سلححانه پابمیدان گذارده و آپورتونیستها و اصلاح طلبان افتاشده را از صحنه مبارزه طرد گردیدند . افسانه " جزیره ثبات و آرامش " رژیم نیز به چنان ورنشستگی دچار شد که دیگر خود رژیم هم آنها باورند ارد و از آن یاد نمیکند . اکنون سازمانهای انقلابی پیشاهنگ به چنان مرحله ای از رشد رسیده اند که موجود پفخود را نابود نشدنی اعلام میدارند و با گامهایی مصم و محکم در جهت نابودی ارتجاع و امپریالیسم به پیش میروند .

رفقسال در شرایطی که عناصر سلححان انقلاب در سطح جهان رشد میکنند در شرایطی که مبارزه انقلابی خلق ها و عالمترین شکل آن یعنی مبارزه سلححانه پیروزنده آنه پیش میروند ، تزلزل و انحراف در ورتشدن هنگامی نکردن و همیا نبودن با جنبش انقلابی خلق ما سازمان ما را با بحرانی بس عظیم و خطرناک روبرو کرده است . اکنون جنبش دانشجویی ما در خارج کشور بر سر دوراهی قرار گرفته است . بدون شك بحران خطیری که جنبش دانشجویی خارج کشور را تهدید میکند جدیتین وعده ترین بحرانی است که تاکنون در جنبش دانشجویی ما سابقه داشته است . قبل از هر چیز باید تاکید کنیم که این دوراهی این بحران بر سر انشعاب تشکیلاتی از کفدراسیون نیست . داد و فریاد خط میانه که زمانی بدون اشاره به مضمون سیاسی مبارزه درون کفدراسیونی شعار " وحدت " میداد و حالا دم از مبارزه علیه " انشعابگرانی " میزند که گوئی میخوانند این تشکیلات را از بین ببرند از آن " انشعاب " کنند فقط نمانند بارزی از گونه بینی سرود داران خط میانه و عدم درک آنان از قانونمندی های مبارزه سیاسی و در این رابطه عدم درک آنان از ریشه های عمیق سیاسی معضلات کنونی کفدراسیون است . دوراهی که در مقابل ما قرار گرفته است در درجه اول دوراهی سیاسی است که در ادامه جریان خود انحناعات تسلیاتی مربوطه اسره باز مییابد . هم اکنون

در آستانه کناره‌گیری است و سوم سازمان آمریکا انشعاب واقعی در کفدراسیون یعنی انشعاب سیاسی، انشعاب از مواضع جنبش انقلابی مردم ما صورت گرفته است. نظرات و نیروهای مختلف داخل کفدراسیون "راه خود" را انتخاب کرده‌اند و آنچه که در شرف اتفاق است ادامه جبری انشعاب سیاسی خطرناک است و متحد تازه این خط میانه میباید. باید این اختلاف و مبارزه میان نیروهای درون کفدراسیون بنیاد وجود بینش‌ها و نظریات متفاوت امری طبیعی و ضروری است. وجود و درگیری نظریات مختلف در درون هر سازمان دموکراتیک زنده، پویا و پیکر و پستی آن سازمان میباید. تصور سازمانی که فاقد این درگیری و در نتیجه تعویق درونی میباید غیر ممکن بنظر میاید. تا چند سال پیش این اختلاف بینش و نظریات اکثریت و اقلیت انحرافی بود که در پیروی‌ها و راسترونی‌های گوناگون متظاهر میشد که همگی خود را به صورت گوناگون در شعارها و برنامه‌های سیاسی مربوط به کفدراسیون بروز میدادند ولی آنچه که در همه این موارد مهم بود حفظ مبارزه علیه رژیم و پیشبرد امر مبارزه ضد امپریالیستی بود. و بعبارت دیگر شرایط درونی کفدراسیون آنچنان بود که هر نیرویی که خلف این کوششی را انجام میداد بسرعت به دم تاثير و شکست آن پی میبرد. اما در چند ساله اخیر نوسانات و کرایشاتی در جنبش ما رشد کرده‌اند که سعی میکنند در این اصل مهم در ضمن سیاسی وحدت رزنده و دانشجویان ضد امپریالیست خلل وارد آورند و از طی طریق دور روند گوی جنبش ضد امپریالیستی و عدالت‌جویی خلق ما سرپا بزنند.

اما همانطور که گفتیم کفدراسیون جهانی سازمان متشکل جنبش دانشجویان خارج کشور بخشی از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ایران است. این سازمان علمی و توده‌ای وظیفه دارد به جلب و جزم هر چه بیشتر روشنفکران و دانشجویان خارج کشور برای مبارزه وسیع علیه رژیم دست نشانده پهلوی و شرکت در مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم بهره‌اثر بافشارگری و بسیج افکار عمومی برای برپاداشتن یک همبستگی ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی دست‌زده با تعمیق آگاهی ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی دانشجویان مبارزه‌انان را علیه رژیم پهلوی موثرتر گرداند و بوظیفه خود در قبال مبارزات و مبارزین خلق زندان‌های سیاسی و ... عمل کند. در این مرحله از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم در زمانیکه سازمانهای انقلابی مسلح جنبش مسلحانه یعنی سرسختترین و آتش‌ناپذیرترین مبارزه را در میهن ما تشبیه کرده‌اند و هرروزه دستاوردهای بنظیر و گرانقدری را بانثار خون خود بدست میآورند مجبوره این مبارزات در خدمت و بزرگ‌شمار سرنگونی رژیم استبدادی ارتجاعی و وابسته با امپریالیسم شاه صورت بگیرد. بنابراین آنچه که در این مرحله از مبارزات یک سازمان دانشجویی دموکراتیک و ضد امپریالیستی اهمیت خاص میباید در این مبارزات علیه رژیم شاه و امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و دفاع از مبارزات دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق است. درست در همین رابطه نیز تبلیغ مبارزات انقلابی مسلحانه از زاویه تبلیغ آشنایی ناپذیری با امپریالیسم و ارتجاع (و نه از زاویه تبلیغ تئوریک و ایدئولوژیک که در محدوده فعالیتهای کفدراسیون دموکراتیک قرار ندارد) باید در دستور کار ما قرار گیرد. همانطور که منشور کفدراسیون جهانی میگوید "کفدراسیون سازمانی است توده‌ای دموکراتیک و ضد امپریالیستی که بر اساس واقعیت‌عینی، امکانات و شرایط خود، در نهایت و بیشتر بخش از جنبش دموکراتیک و ضد

امپریالیستی مردم ایران در مبارزات مردم برای سرنگونی طبقات ارتجاعی سرکوبه‌گی حکومت مطلقه و سلطنتی پهلوی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم شرکت شد. \* مناقشه همه نیروها و نظرات درون کفدراسیون بدین واقعیت توجه نکرده علیرغم شرایط مادی جامعه و رشد مبارزه انقلابی در ایران با عده رکن عناصر جنبی مبارزه بوظیفه خود در درون جنبش دانشجویی عمل نمیکنند. \* نیکم عده کردن عناصر جنبی مبارزه و غیر عده نمایان شدن عناصر عده مبارزه در تحلیل و پراتیک از مجموعه یک بینش و سیاست ناشی میشود و نه (آنچنانکه سردمداران خط میانه سابق میگویند) \* اتفافی" بوده و نه "از آسمان بزین افتاده" است. در مبارزه ضد رژیم عده کردن عناصر جنبی هسته سازشکاری (همه حظه ها را متوجه رژیم نکردن) را در خود دارد و در پراتیک استواری (این هسته رشد میکند و برای جلوگیری از افتادگی و خرد شدن خود را پشت الفاظ و شعارهای متونی و با ظاهر آراسته به "تئوری علمی" منقش میسازد. عده کردن مبارزه ضد "دوا بر قدرت" تا بدانجا که به زد و بند با سازمانهای طرفدار رژیم ایران - همچون اکبر لیدر و هوامانیت\* سرخ - بیانجامد، یا تا بدانجا که به تخطئه و خرابکاری در مبارزه فاضح و بی قید و شرط در دفاع از جنبش انقلابی خلق طاق ضجر شود، انحرافی و در خدمت ارجعای بوده و اگر نیروی آنانکه در انجام چنین اعمالی اصرار ورزید بیشتر به سازش با رژیم و ارتجاع در میخیزد. و بالاخره اثر نیروی بی نتواند و نتایج خود را در قبال جنبش رشد یابنده خلق و مخصوصا سازمانهای انقلابی صلح ببیند، اگر اخبار، مواضع و دستاوردهای سازمانهای انقلابی را تحریف نماید، تحت عنوان حفظ ماهیت دموکراتیک کفدراسیون از دفاع دموکراتیک از سازمانهای انقلابی و تطبیح شی آشتی ناپذیری آنان با رژیم سرمازنده، یا به بیان "مبارزه" تشویق "به مبارزه با انقلابیون صلح بپوشد از، علاوه اجبارا از دفاع بی قید و شرط از این مبارزات بریده و پیسه اهداف رژیم خدمت میکند. \* "مبارزه" ای که در تحلیل نهایی اینچنین در مقابل ارتجاع به سیاست سازشکاری استکین و رضا ضجر میشود، سیاستی راست و دور از مواضع و دستاوردهای جنبش دموکراتیک و انقلابی خلق ماست. در واقع ریشه اصلی این صفت را باید در موضعین های مادی - اجتماعی و آرایش طبقاتی جامعه و برای این احاطه پذیر نظر - یات و بینشهای مختلف همساز و همگون با جایگاه طبقاتی اقشار و نیروها در رابطه با مرحله کونی مبارزه در ایران و مخصوصا برخورد آنها به عالینترین شکل آن یعنی مبارزه مسلحانه جستجو کرد.

در مرحله کونی رشد تضاد های طبقاتی در ایران، قفسی شدن نیروها در درون کشور، بالا رفتن شناخت نیروهای مبارز و شرقی، تشدید استبداد شاه خائن، رشد سرمایه داری وابسته در ایران و درآمد هفتست نفت پیاده کردن برنامه های جدید سیاسی - اقتصادی رژیم و از طرف دیگر اختلافات میان سازمانهای شرقی بر سر مسائل جهانی و بالاخره عده ترین مسئله یعنی رشد و انسجام مبارزه مسلحانه خلق در ایران از اهم مسائلی هستند که در سطوح مختلف و از زوایای گوناگون بر پروسه حرکت کفدراسیون تاثیر میگذارند.

بمبارت دیگر، پیروزیهای چندگانه و بیسابقه مبارزین صلح خلق به رهبری سازمانهای پرافتخار چریکهای تداشی خلق و مجاهدین خلق ایران، تشدید استثمار و بیهوده تر شدن مبارزه طبقاتی در ایران، و تغییرات جدید سیاسی - اجتماعی بین انطقی، بطور کلی بساز و توسعه مبارزه در همه سطوح را ضروری کرده و کفدراسیون را نیز در برابر وظائف جدیدی قرار داده است.

با رشد سرمایه داری در ایران بخشی از خرد و بورژوازی امکان یافته برای تامین منابع مادی خوب از امکانات  
وسعتی استناد کند. هم اکنون ما شاهد آنیم که بورژوازی حاکم در ایران سعی میکند که منابع بخش قابل توجه  
جیبی از خرد و بورژوازی از جمله کادریان قوی و روشنفکران و غیره را با منابع خود پیوند داده و از آنان بعنوان  
ابزاری جهت غارت و بهای و خفیات زحمتکش استناد کند. در نتیجه بعواضات میزان موفقیت رژیم در اجرای این برنامه  
غارت، همیشه همان فقیر و دهقانان تپه دست در روز پیش از پیش پرتاریزه میشوند. فقر و مسکینت بوده حال وسیعی  
از خرد و بورژوازی و پیوستن آنان به توده های زحمتکش و تارک انزایش استعمار این توده های وسیع هر روزه بدست  
عینی به پتانسیل انقلاب میافزاید. در نتیجه خرد و بورژوازی در ایران گرایش میدهد پرتاریزه شدن انشاری از  
خرد و بورژوازی است که در زمینه رشد مبارزات انقلابی مسلحانه در ایران بصورت گرایش به انقلاب متبلور میشود.

از طرف دیگر برای بخش کوچکی از خرد و بورژوازی چشم انداز رفاه آینده و تامین بیشتر مالی یعنی امکان صعود  
به طبقه بالا و ارتقاء مادی بیشتر فراهم آمده است. این بخش از خرد و بورژوازی ها با طرح مسائلی که در جلسه  
"هرکس باید کوزه خود را محکم بچسبند" خلاصه میشوند که در جهت تکمیل با رژیم پهلوی قدم بر میدارد.

این بخش از خرد و بورژوازی در عین حال از بحران اقتصادی در

ایران، کرانی و ناامنی نیز متاثر میشود ولی حرکتش نه در جهت پیوستن به مبارزات مردم بلکه با صرف وقت و نیروی  
بیشتر بدنیال از بیاد سهم خود از درآمد ملی و بهالابدون حقوق و مزایای شخصی انحصاری است. اختناق و ترسناک  
شیستی نیز بر این عوامل اقتصادی اضافه شده و خرد و بورژوازی منزلق را آماده سرفروید آوردن در مقابل تین انقلاب  
پهلوی مینماید. در این رهگذر رشد مبارزات طبقاتی غامض شدن جریانات اجتماعی و تشبیرات مختلف در جامعه  
و برنامه های امپریالیسم جهانی و ناتوانی در راهیابی و ضعف نفوذ بر روی عناصر خرد و بورژوا تاثیر گذاشت و آنها  
را به کجراه میکند. از یکسو در ماندگی این عناصر در راهیابی و کشف تعلیل و چشم انداز مبارزاتی و از سوی دیگر  
چشم انداز امکانات مالی و رفاه آنانرا برای پذیرش انواع مختلف نشريات و بهنشهای انحرافی و راست آماده میسازد.  
بدین ترتیب شرایط مادی رشد این نظریات را در درون جنبش و همچنین در درون کفدراسیون جهانی بعنوان مسأله  
لحه کرد. ما معتقد نیستیم که این تاثیر گذاری - خصوصا در ابتدای این پروسه - مختص این یا آن گروه درون  
جنبش است. اما همزمان با رشد تاثیر گذاری این بدیده همزمان با نقاط موضعگیریها و کونه تکامل جنب مبارزات  
تی نظرات مختلف درون جنبش راست روی انتم و قبول مواضع راست و سازشکارانه طرح و اجرای برنامه هائیک در  
این جهت باشند نیز مستقیمتیزه شده و در یک شش معین ظهور پیدا میکنند. در همین زمینه رژیم  
شاه با خود مخالفی هفتگت شکار روشنفکران را برای بخدمت آوردن آنان تشدید مینماید. در خارج از کشور  
صرف نظر از مظاهرات رسمی ارتجاع و مالیتهای مختلف با اصلاح علمی و برآه انداختن واحدهای تبلیغاتی را در این  
میزند. در ادامه دعوت به وارداتی و خیانت / عناصری چون لاشائی و جاسوسی / مزدوران گامه لیس دستگاه  
ارتجاعی شاه تحت نام وحدت ملی به تکاپو میافتند.

لاشائی در مصاحبه خود ضمن شناختن رژیم شاه مساله اد نورا مطرح میکند . از نظری که مصلح و چهره آرا رژیم است گفتد راسیون نه تنها عناصر هیبت پرست را در برزخ است بلکه رژیم شاه باید آنرا برصفت بشناسد و با آن رابطه برقرار کند . پذیرش نشدن راسیون بعنوان اتحادیه طی دانشجویان و فعالین نور آن بصورتیکه برار رژیم قابل تحفظ و حتی قابل حمایت باشد . مساله لاشائی است . طبیعی است که این پروسه حرکت از قابل تحمل شدن " تا " ناپلحمایت شدن " رژیم لاشائی و دیگر برنامه ریزان رژیم حیاتی در دو مرحله انجام میفرست . مرحله اول سیاست زدائی گفتد راسیون است . زدودن هرگونه فعالیت سیاسی . عدم تحرک و برداختن به مسائل منحصر صنفی بطور طبیعی گفتد راسیون را به آن مرحله ای میکشاند که نه تنها از طرف رژیم به رسمیت شناخته می شود بلکه طبیعی است که چنین تشکلات بدون خاصیتی فقط میتواند جایگاه مدافعان رژیم باشد و مورد حمایت قرار گرفتن از طرف رژیم امری است که نیازی به بحث ندارد . این بیت جنبه کوشش رژیم برای ایجاد اختشاش فکری در گفتد راسیون است . این تلاش پیکرانه از جانب رژیم دنبال میشود . جاسوسی مطلق فوی را در نشریه " مسائل وحدت طی " اینگونه مطرح میکند :

"... زیرا اعتقاد راسخ داریم که اگر دانشجویان گفتد راسیون بسیج شوند و در راه ایران بدون حب و بند سیاسی بخد مت صادقانه به دعوتان بپردازند خود بهترین شواهد تخمیر و تحول مثبت کشور را بدست خواهند آورد و با واقعیات ویژه جامعه ایران از پایه آشنا خواهند شد . ضمن اینکه این اقدام بتدریج شرایط فعالیت رسمی و سازنده این سازمان را در ایران فراهم خواهد ساخت . در جای دیگر میخوانیم :

" دولت ایران باید فعالیت عمرانی دانشجویان خارج از کشور را تشویق نماید و بمنوا آزادی برای نزدیکانی نذره نظرها بدیرا شود و انتشار نداشته باشد که گفتد راسیون از تمام انتقادات خود به جامعه و دولت برای شرمگت در این کار دست بردارد . در همانجا گفتد راسیون باید اگر خواهان چنین آزادی است در لحن و روش خود تجدید نظر لازم را در نظر گیرد " .

در اینجا نکته جاسوسی اگرچه در نفاذ خویش بگونه ای دیگر است ولی خود بخشی از برنامه عمومی رژیم است . برنامه رژیم در همین حد محدود نمیتواند . محمد جاسوسی در نشریه آخر بعد از اینده عدت پدران درونی گفتد راسیون را برداشت ناقص و نادرست از حصلت ضد امپریالیستی و موکراتیک و بوده ای این سازمان میباشد . راه حل نیز ارائه میدهد . بهینیم جاسوسی چه میکند : " امر امروز کسی ادعا کند ضد امپریالیست است ولی ضرورت مبارزه با دوا بر قدرت را نپذیرد و یا بصراحت نگوید شکند در حمایت با امر ضد امپریالیست نیست و یا مبارزه آن با امپریالیسم بسیار رفیق و نارساست . درت یکی از ویژگیهای بارز عصر ما که با همکاری و رزاهت دوا بر قدرت وابستگی نام و تمام دارد بررسی معاطراتی که دوا بر قدرت در اثر زد و بند و فتنه انگیزیهای خود برای تمامی طل متوسط و کوچک جهان بوجود آورده اند مطالعه امکانات . طلب بندها و مهاریهای جدید طل مشترک امناف جهان برای مقابله با توسعه نفوذ این

دو ابره قدرت همه و همه در دستور کار کفدراسیون قرار دارند . " چند سنتر پائینتر میخوانیم : " ولی قبول اصل مبارزه با دو ابره قدرت و کنترل بین الطلی آنها نمیتواند به اعلان صرف این تکیه ختم شود ، بلکه باید تا بیشتر مبارزاتی که در ایران به رهبری شاه علیه دو ابره قدرت و اعمال نفوذ آنها صورت بگیرد جلو برود و از این بیشتر نتایج سیاسی لازم برای تصحیح خط مشی کفدراسیون در برابر رژیم ایران استحصال میشود . این تاریخست که دستجات مخالف سیاسی و کفدراسیون دیر یا زود ملزم به انجام آنند ولی چنانچه کفدراسیون نیازمند زمان بیشتری برای تفکر باشد ، میتواند در دو مرحله اقدام ورزد :

او میتواند در مرحله " اول اصل ضرورت مبارزه با دو ابره قدرت را تأکید و قبول و در مرحله " دوم به بررسی نقاط اشتراک و اختلاف خود در این مساله با رژیم بپردازد " . ( نقل قولها از نشریه " وحدت ملی " شماره " چهارم )

در مقابل تمام عواملی که در بالا بر سر مردم این وظیفه مبارزین راستین و معتقد به پیروزی انقلاب مسلحانه و توده ای است که با تمام قوا و بلافاصله پس از ظهور اولین علائم راستروی در جنبش مبارزه ای قاطع و بی امان را با آن شرح کرده با افشای ماهیت سازشکارانه اش از شکل گرفتن و اعتبار یافتن و سیستماتیزه تر شدن این خط جلوگیری کند و در جهت طرد کامل این پروسه و یا لااقل تخفیف و کند کردن آن کوشش نمایند . این است وظیفه هر مبارز انقلابی .

#### رفقا

رشد مبارزه مسلحانه و تثبیت آن در بین توده های خلق ما روشنفکران و دانشجویان ایرانی را نیز هر روز بیشتر و بیشتر به جهت مبارزه ای اشنی ناپذیر با رژیم پهلوی و انبیاان اهریانیسترسوی میدهد . بیا ایشان اصل اشنی ناپذیری با رژیم و قوام فرهنگ و بیشتر سرسختی و رزمندگی در مقابل خائنین به خلق یکی از دستاوردهای مبارزه مسلحانه در ایران است که معلمین توده های خلق پیشگامان انقلاب ما با مبارزات پرشکوه خود کسب انرا برای همه خلق ما منجمله دانشجویان و روشنفکران مکن ساخته اند . درست از همین روست که توده ها - دانشجویی نیز هر روزه بیشتر و بیشتر در داخل و خارج از کشور با اعتقاد به مبارزه مسلحانه به جنبش روی مبارزه ، عناصر اپورتونستی که در مقابل این موج خروشان هر روزه خود را ناتوان تر و ضعیف تر می بینند عناصری که قادر نیستند همای رشد این مبارزات گام بردارند هر روزه بیشتر منفرد شده و مشتشان باز شده و از جنبش ما دورتر خواهند شد . این حقیقتی است که تاریخچه چند ساله اخیر کفدراسیون و مبارزات قهرمانانه دانشجویان ما - نگاهای ایران هر دو مشحون از شواهد زنده و فراوانی بر صحت آن میباشند . ندیدن مبارزه مسلحانه مسا در نظر نگرفتن رشد بی هضای جنبش نوین خلق در هنگام برخورد به هر مسئله سیاسی مربوط به ایران ندیدن کلیه خورشید درخشان انقلاب است .

این فقط کوردان سیاسی هستند که پشت به اشعه آفتاب گردماند و نمی خواهند و یا نمیتوانند در پرتو این اشعه جانبخش انقلاب صاف سیاسی ما را ببینند .



آری رفتن! سرود رفتای چرخهای فدائی خلق بدرستی این اصل را میماند که

شیرینشیرین فروزان انقلاب سر پرزد از پشت کسوف

شیرینشیرین آینه به سوره از خورشید پر شکوه

ما این شلیحه خورشید پر شکوه را با جان و دل گرامی میداریم و اشعه آنرا در همه گوشه‌های مسافت مبارزاتی جنبش دانشجویی گسترده می‌بینیم چه آن زمان که مجبوریم نعره‌ها و دروغ‌های اپورتونیستی‌ها را جواب گوئیم که بر ضد مبارزه مسلحانه خلق ما تبلیغ میکنند و چه آن زمان که در طرح و اجرای برنامه‌های کفدراسیون جهانی تاثرات مستقیم و اولیه یا غیر مستقیم و ثانوی نحوه برخورد نیروها و نظرات گوناگون را در مورد جنبش نوین خلق مشاهده میکنیم.

خلاصه کنیم از یک طرف رشد جنبش انقلابی مسلحانه و مبارزات خلق برای جنبش دموکراتیک ما نیز وظائف خطیر و جدیدی را ایجاد میکند و بختر عمده ای از خلق را نیز هر روز بیشتر و بیشتر به کوراه مبارزه قاطع و آتش نا- پذیر با رژیم پهلوی و اربابان امپریالیسترسون میدهد و از طرف دیگر تجویز کرده و پرورازان در حاصه قسمت عمده عناصر این بختر را پرولناریزه کرده و در زمینه رشد مبارزات به کوراه انقلاب میکند که در عین حال بختر کور- چکی از خرد و پروروازی نسبتا مرده و در این رابطه تحصیلکردگان با اصطلاح "روشنفکر" که چشم اندازی از رنانه بیشتر را در نظر دارند که در مقابل اختناق رژیم متزلزلند، کرفنار صحت تشویق بود و نتیجتا به پروروازی انقلاب مسلحانه و توده ای اعتماد ندارند که در این شرایط میتوانند به سازش با رژیم در غلطند. و طبیعتا مبارزین انقلابی این است که با پیدا این اولین عزم این راست روی مبارزه قاطع و بی امانی را علیه آن سازطام داده و از رشد و تکاثر آن و در تحلیل نهائی از سهمناکیزه شدن این راست رویها جلوگیری کنند. در این زمینه است که مواضع و عطکرها و شیوه های بکار گرفته شده از طرف خط راست و متحسد جدید آن قابل تحلیل و تفهیم است. ضروری است که بنگاشته برگردیم.

پس از حطه مشغول رژیم به کفدراسیون در سال ۱۹۲۱ یعنی بر غیر قانونی کردن کفدراسیون، بحث خلد می- کفدراسیون - که تا آنزمان بر سر شرکت یا عدم شرکت مستقیم نشردانشجو در تغییر بنیادی جامعه جریان داشت - متوقف گردید. در ککره ۱۲ کفدراسیون مشغول به تصویب رسید که جای تغییر عماد بسیاری را در مورد چگونگی تضاد نشردانشجو با رژیم استبدادی و ارتجاعی محمدرننا شاه و امپریالیسم باز میگذاشت. از آن پس مبارزه ای بر سر محتوی مشغول در تمام سطوح کفدراسیون میان نظرات مختلف موجود در گرفت. این مبارزه که به نادرست به "مبارزه بر سر شعار سرنگونی" یا بر سر "طرح صالنه سرنگونی" یا "مبارزه" طرح سرنگونی" و به عنوان دیگری از این دست معروف شده بود که از آغاز دارای جوانب روشنی نبود. بحث بر سر تغییر منشور که ابتدا از جانب برخی از رفتای امریکا آغاز گشته بود و شعاری درست را بختر نادرست طرح میکرد برپایه های مختلفی را در این رابطه برانگیخت.

بخشی از اعضای کفدراسیون که تا دیروز سنگ پرسی بودند و انشجویان  
 کارگران و دهقانان را به سینه میزدند به یکباره در اثر پست تفکر ارتجاع و پخاظر ملاحظاتی که از خصلت خود  
 پیروانی آنان سرچشمه میگرفت - و عدم وجود هرگونه پیوندی با مبارزات مردم مهین ما آنها تشدید می نمود - تا  
 کمان پوشش انقلابی خود را برگزیده به تبلیغ تزیوسیده صلی گری گریستند . این کردار به راست همانند  
 بسیاری کردشهای دیگر در جنبش دانشجویی خارج کشور بود بدون ارائه کوچکترین تحلیلی از شرایط آنزمان و بدون  
 نشان دادن نخبوری که نسبت به شرایط گذشته در جنبش وجود آمده بود . بدون توضیح باقی مانده و به سیر تاملی  
 خود بسوی راست روی ادامه داد . این کردار است - که بدیده ما نقطه عطفی را در جنبش سیاسی ز در نتیجه  
 جنبش دانشجویی خارج کشور نشان میدهد - تحسولی است که  
 - در صورت عدم مبارزه با آن - تجزیه بین از پیش روشتن کارگران را بد و اردوی ضخاص می یکی وفادار به جنبش خلق  
 و کوشنده در راه تشدید و تعمیق مبارزات خود و دیگری واپسگرا و دورمانده از آن بدنهان خواهد داشت . مبارزه  
 بر سر منشور نیز در مجموع بازتابی است از مبارزه میان این دو اردو که گرچه در لحظه نخست سنگ و محتوی گام  
 مزدوشنی نه داشت ولی بهر حال این مبارزه به پیشرفت این دو اردو مشخصتر گردیده و نظریاتشان روشنتر میگشت .  
 و در بونه این مبارزه بود که انحرافات راست و بااصطلاح چپ بروز نموده و پس از چند سال جای خود را به یک درک  
 درست از منشور داد .

اعتراض بدرج نقل قول از شهید ناصر صادق در شانزدهم آور و بدگر شعار سنگ و نفرت بر دربار پهلوی - اعتراض  
 به عبارت " اعدام انقلابی طاهری " و جلوگیری از نشر اعلامیه ها و دفاعیات انقلابیون مسلح - عده کردن مسئله  
 فشار رژیم بر روی سازمانهای دانشجویی و فعالین آنها تمرکز قوای خود برای برطرف ساختن این فشار و طسرح  
 تز " دفاع از خود " برای کفدراسیون همه و همه نشاندهنده یک جهت سیر واحد است : جدا شدن از مبارزات  
 خلق و درهم شکستن کفدراسیون بعنوان سنگ مبارزات دانشجویی و بلندگوی مبارزات مردم متحد بدیه ما علیه رژیم استبداد -  
 اری و ارتجاعی شاه و امپریالیسم جهانی . تنها با در نظر داشتن این ریشه های فکری و این جهت سیر معین است  
 که بحث منشور اهمیت مییابد و پافشاری سردمداران خط راست در عدم شناسایی خواست جنبش دانشجویی مهینی  
 بر سرنگونی رژیم ضفر پهلوی و قطع کامل نفوذ امپریالیسم به هر بهانه و هر پایه هراسانی که باشد قاپابل  
 توضیح میشود . تنها در پرتو توجه باین زمینه ذهنی است که میتوان فری بحث منشور را که در سالهای اخیر  
 در گرفته است با بحثهایی که در گذشته بر سر تغییر خط وضعی کفدراسیون وجود بوده است باز شناخت . و هم  
 از اینرو است که معتقدیم بحث در باره منشور بطور مجرد و بدون رابطه با رشد جنبش انقلابی خلق عطفی است  
 انحرافی و صحبت از " عقب نشینی " سردمداران خط راست تنها باین دلیل واهی که شعار سرنگونی رژیم مبارزانه  
 عطفی است انحرافی تر .

در شرایط کنونی باید بتوانیم باین پرمخی پاسخی بجا دهیم : بحث منشور چه مقامی در مجموع مبارزات درونی

کفدراسیون دارد ؟

تصویب دستور جدید در کنگره شانزدهم کنگره راسیونیت پیروزی مرحله ای بود و بدون شرکت خط راست به دست آمد. عمده کردن این پیروزی و ندیدن پانشاری خط راست در مواضع خود نه تنها از ارزش این پیروزی می‌آید بلکه آنرا بی اثر می‌سازد. چه پیروزی آنزمان موثر است که در خدمت پیاده کردن محتوای رزمنده دستور قرار گیرد. به اعتقاد ما بحث دستور مرحله ای از مبارزه درونی ملزمان بود که امروز به پایان رسیده است. ضمن مبارزه درونی امروز در کنگره راسیونیت مبارزه با عدم مبارزه در خدمت محتوای رزمنده است. آنها که ظاهراً به پشتیبانی رای مضع خط راست به دستور جدید که به "عقب نشینی" وی در این زمینه تعبیر می‌کنند و مسأله سرنگونی را همچون کلاسی برای مطالعه در بازار ورشکسته خرید و فروش مواضع سیاسی عرضه می‌کنند، پیدا است که نه تنها به اهمیت بحث دستور بی توجه اند بلکه از درک ریشه های تذکر سردمداران خط راست نیز عاجزند. تفکر که همچنانکه در بالا ذکر شد - در سالهای اخیر شک گرفتیه و در کمیته زمینه های فدائیت کنگره راسیونیت به چشم می‌خورد. آماج حمله این تفکر بغایت راست در واقع تحریک رزمنده کنگره راسیونیت در مبارزه دفاعی آن و فدائیت افشارانه اثر در مورد رژیم است. تحرکی که ضامن موجودیت کنگره راسیونیت و بیان تسبیح آن نسبت به مبارزات خلقی ما است.

در کنگره ۱۵ کنگره راسیونیت بر سر حمایت از نفع قاطع و بی قید و شرط از جنبش انقلابی صلح و محتوا دستور کنگره راسیونیت دفاع بی قید و شرط از جنبش انقلابی خلق عمان و پیمان ۱۹۰۰ و ... است. آرائی مشخص صورت گرفت. در یکطرف صفتی قرار گرفته بود که متشکل بود دفاع بی قید و شرط از جنبش انقلابی صلح خلق و جنبشهای انقلابی منطقه و مشخصاً دفاع بی قید و شرط از جنبش خلق عمان و زمینه کنگره راسیونیت است و اعتقاد داشت که کنگره راسیونیت باید خواست سرنگونی رژیم دستور پهلوی را در درون دستور خود ضمیمه نماید. این صفت در درون خود به هیچوجه دارای همگونی و یگانگی اندیشه حرکت و یگانگی نظرات در تمام زمینه نبوده و خصوصاً در موارد فوق نقطه نظرهای متفاوتی داشت. در طرف مقابل صفت دیگری قرار گرفته بود که با وجود عدم هماهنگی در برخی نظرات نسبت به مسائل اساسی ذکر شده اتفاق نظر داشت. کوشش میکرد دفاع از مبارزات عام کارگران و دفاع از مبارزات مطالباتی آنها تحت عنوان "دفاع از مبارزات توده ای" بعنوان آلترناتیوی در برابر دفاع از جنبش انقلابی صلحانه قرار دهد. وزیر بار دفاع از آشتی ناپذیر ترین، متبلور ترین و انقلابی ترین بخش مبارزات خلق نبود. سعی داشت از تصویب خواست سرنگونی در دستور کنگره راسیونیت جلوگیری شود و تمام کوشش خود را صرف حذف دستور گذشته کنگره راسیونیت می‌نمود. همانطور که اشاره رفت، از آنجا که دستور های پیشنهادی هر کدام از نقطه نظر خاصی و در ارتباط مشخصی مسأله سرنگونی رژیم را طرح میکرد، هیچیک نتوانست رای کافی به دست آورد و بحث بر سر دستور سیاه اجباراً - لااقل یکسال دیگر - ادامه یابد.

کنگره ۱۵ بر اساس شکاف ذهنی که بین نمایان مختلف موجود بود، به انتخاب دبیران مشترک قادر نبود و تنها توانست به انتخاب سه دبیر موقت توفیق یابد. دبیران منتخب این کنگره از نظریات موجود در صفا اول، دو نفر را که در مسائل مربوط به جنبشهای انقلابی منطقه قرابت بیشتری داشتند نمایندگان می‌کردند.

نظر سومی که بر اساس موضعگیری نسبت به صاخش فون خود را در صف اول جای داده بود بدون توجه باین امر که کنگره تحت هیچ شرایطی قادر به انتخاب دبیران مشترک نبود. هم‌اکنون با خط راست یعنی صف دیگر کنگره بر سر انتخاب دبیران مشترک همچنان اصرار می‌نمود.

در جریان فاسادها و مبارزات کنگره راسیون پس از کنگره ۱۵، مواضع و نطقه نظرها میان هیئت دبیران کنگره راسیون روز بروز بهم نزدیکتر شد و نزدیک و انسجام در درون صف دیگر کنگره ۱۵ نیز بیشتر و بیشتر میشد. این هماهنگی نظریات در دو بخش، بخصوص در بحث آزاد کنگره ۱۵ راسیون آلمان بر سر مساله "حکمت جو متبلور گردید". سخنگویان خط میانه، نظریه ای که در کنگره در صف اول قرار داشت ولی می‌کوشید تا با پند و اندرز رهبری مشترک کنگره راسیون را تحقق بخشد، نه تنها موضع کمابیشی که حکمت جو را با هلفز مقایسه می‌کردند و ریختن خوب تر را بدست سفاکان ساواک تجویز می‌نمودند، <sup>مواضعی</sup> راست و ارتجاعی میدانستند بلکه این موضع را موضع فاشیستی قلمداد می‌نمودند. همین سخنگویان فقط چند هفته پس از این کنگره، در اردوی ناپستانی کنگره راسیون - ظاهرًا پس از طی پرزسه "بحث و اقتاع" با رفتای امریکائیشان - مواضع خود را نسبت به راست روان و توجیه کنندگان فاشیسم پهلوی تعدیل کردند، از حرارت و جوش و خروش افتادند و در کنگره ۱۶ کنگره راسیون حتی خواستار حذف اطلاق "عیه" ۱۱ اوت دبیران موقت کنگره راسیون در مورد نظرات ابراز شده در بحث آزاد کنگره ۱۵ راسیون آلمان نسبت به شهید حکمت جو، از اسناد و مدارک کنگره راسیون شدند و دقیقًا با جای پای دارندگان همان مواضع "فاشیستی" گذاشتند.

قبل از کنگره ۱۶ کمیونی که از طرف دبیران موقت با شرکت مجموعه نظرات موجود در کنگره راسیون برای بحث و تهیه منشور واحد تشکیل گردید، پس از بحثهای طولانی ضمنی را برای طرح و تصویب در کنگره ۱۶ تدوین نمود. در این منشور خواست سرنگونی رژیم منفور پهلوی در تمهید از جنبش خلق مورد قبول قرار گرفت. ولی چیزی نگذشت که خط راست به کنگره ۱۶ متوجه شد که آنچه را تا کنون پذیرفته است، هر چه که بصورت منشور تصویب کنگره ۱۶ در آید و تنها راه چاره را در این دید که توافقی را که انجام داده بود زیر پا نگذارد و با یک کرد و کرد دیگر منشور دبیران کنگره راسیون آلمان را بعنوان آلترناتیو در مقابل منشور مورد توافق کمیسیون فوق الذکر قرار دهد. راست روی هر روز بیشتر شکل میگرفت و در مواضع و برنامه های بیشتری تظاهر می‌یافت.

در آغاز کنگره ۱۶ بر اساس فاکتورهای فوق و بر پایه جریاناتی که بدنبال طرح مساله "حکمت جو و اطلاعیه" ۱۱ اوت دبیران موقت - بخصوص در بسیاری از واحدهای کنگره راسیون آلمان نظیر مونیخ و کیسن - اتفاق افتاده بود صف بندی کنگره ۱۵ تکرار شد. دو قطب مشخص و کاملاً متضاد این صف بندی را از یکسو نظرات خط وسط و از سوی دیگر خط راست که اکثرت نمایندگان امریکا - خطی که بنام میانه معرفی گردید - میان این دو قطب در نوسان بود.

جذب شدن این خط به خطر رزنده و یا راست بستگی فراوان با این امر داشت که در هر مورد مشخص تا چه حد مورد حمله قرار گیرد و چهره ا- انشا" شود . به عنوان مثال زمانیکه پیشنهاد شد که آذربایجان طایفه به خانواده زندانیان سیاسی مبارزین و انقلابیون شهید را تصویب نماید . خط راست و میانه متعینا به مخالفت با پیشنهاد برخاستند و یکی از سخنوران خط میانه با این بیان که این پیشنهاد چیزی نسبت به خط راست رسالت انحرافی و اشتغال خواست برای مخالفت خود پایه و استدلالی دست و پا کند . همین سخن و درست شد و دقیق بعد هنگامیکه مورد حمله قرار گرفت و مواضع را فاش کردید و انطباق مواضع بر مواضع خط راست نشان دادند مخالفت خود را پس گرفت و در این مورد مشخص بزیر پرچم خط رزنده در آمد . همینگونه بود بزیر پرچم مساندینان خط میانه با پیشنهاد دفاع از سازبانیهای اندکی صلح و برخورد آنان با پیشنهاد بررسی دستاورد ای بر بخش انقلابی درون کشور در بخش فرهنگی فعالیتهای گفتراسیون - که در این موارد به مواضع خط راست اشاره شد . ما که پس نوشتگان کسانیکه بین دو قطب کاملاً متضاد . بین دو جناح رزنده و راست در نوسان بودند و ناشی بزیر پرچم این پت میخیزند و نگاه بزیر پرچم آن دیگری . تا مدت آناه پیوستیم و این سر نوشت هم انگیز و تار" را بیابیم میکردیم امروز شاهدیم که پیرویه گرایش بر آنکه پس از گذر شده با فته بود این میانه روان را در دامن راستروان نشانده است بدین ترتیب "میانه" گذر ابتدا با تحلیلی بوج و توخالی از راه مائل درونی گفتراسیون دم از "وحدت" میزد و عوامفریبانه با شمار وحدت در پی جمع کردن توده های صادی و بی تجربه ای بود که مار فانه را با تار وحدت رزنده" گفتراسیون بودند ، خود گرفتار دای شد که کوتاه بینانه بدست خودشان تهیه دیده بود . از بدلترا - سیا - ستای خط میانه - بعنوان نیروی در وسط که قادر بود توازن نیروها را بین خط رزنده و خط راست تغییر دهد . بکمیت خط راست شنافت و بدانها جرات و فرصت داد که پیرویه" انشعاب سیاسی خود از جنبه خلی را تدریج نمایند و در سایه" این انشعاب سیاسی ، انشعاب تشکیلاتی خود را نیز با انجام رسانند . بدین ترتیب سیاست "وحدت" بخاطر وحدت "خط میانه" از آنجا که به مذخون سیاسی خط راست برخورد نکرده و در حادی کاملاً سانس و هواپ فریبانه باقی میماند ، به ضد خود تبدیل شد و در وقتا پیرویه" انشعاب را تدریج میکرد . این دام اول بود . اما دام دوم که بسیار خطرناکتر و حساستر بود تاثیر این سیاست ، بر برنانه ها ، مواضع و عطکره خود خط میانه بوده "خط میانه" صیغه بود برای توجیه سیاست خود ، برای توجیه سیاست "شرکت شخه" نظرات در رهبری گفتراسیون" یعنی در حقیقت سیاست شرکت دادن خط راست در رهبری گفتراسیون ، مواضع و سیاستهای خط راست را توجیه کند و خود را حاکم سیاسی خط راست قرار داد . در غلطیدن به موضع توجیه سیاستهای خط راست اجبارا پیرویه" قبول این مواضع را به همراه میآورد . "خط میانه" مجبور شد از یکطرف به مواضع خط راست نزدیک شود - مثلاً در مورد مواضع خط راست نسبت به اکبر لیب" نمونه" روشنی از حرکت در جهت سازش با رژیم است با عدم موضع گیری قاطع - به توجیه سیاست خط راست پیرو از بد و همینطور در مورد سیاست خط راست نسبت به دفاع از جنبه خلی نشان بلندگوی دروغها ، تحریفات و فعالیتهای ضد جنبشی "دیوران گفتراسیون آلمان" یعنی بلندگوی این انشعابگران ضد گفتراسیونی شد و از طرف دیگر رفته رفته صیغه شد که خود نیز با آنها همگامی کند . بایکوب مانی گفتراسیون

سیون که در ابتدا از طرف نمایندگان خطر راست انجام گرفته بود با طرفت تمام از طرف خط میانه نیز دنبال شد و بالاخره خط میانه در اطلاعیه ای که با مضای "بخشی از اعضای سازمان در ساربروکن" انتشار داد بیکباره اصولاً وجود خطر راست را فراموش کرد. بر میکردیم به کنگره شانزدهم.

قلب رزنده درون کنگره ۱۶ که خود دو نظریه را نمایندگی میکرد، در عین اینکه بر سر مسائل اساسی نظیر مشور و خط مشی کنگره راسیون دفاع از مبارزین و مبارزات درون کشور و به ویژه دفاع از مبارزات و مبارزین سازمانها، انتقنی مسلح کت به خانواده زندانیان سیاسی مبارزین انتقنی و انقیون شهید تشدید مبارزه ضد رژیم و ضد امپریالیستی کنگره راسیون و مبارزه پیگیر و قاطع علیه خط راست عدم همکاری با خطر راست در سطح رهبری کنگره راسیون و . . . توافق نظر داشت بر سر یکسلسله مسائل دیگر همگون و هم نظر نبود. روشن است که دو نظری که با هم جناح رزنده درون کنگره ۱۶ را تشکیل میدادند تکیه خود را بر روی نقطه نظر آنان مشترک - که مهمترین مسائل مورد بحث را تشکیل میدادند - گذاشته بودند و نه بر روی وجوه اختلاف. درست باین دلیل که تشدید مبارزات ضد رژیم و ضد امپریالیستی که افراد و طرد کامل خط راست از درون جنبش را تعزیر بر این خود دارند، حرکت از نقطه نظرهای مشترک را ضروری مینمود. مشور کنگره راسیون در کنگره ۱۶ بدون رای موافق خطر راست به تصویب رسید. کنگره علیرغم سعی و کوشش فراوان خطر راست و "میانه" برای شرکت دادن خطر راست در رهبری یعنی ایجاد یک وحدت غیر اصولی و پاسه ای که لازمه آن پاک شدن بر روی بسیاری از اصول و موازین سیاسی و مبارزاتی بود نتوانست یک رهبری مشترک انتخاب نماید و در نتیجه قادر به انتخاب هیات دبیران نشد و انجام این امر بمعهد شورای عالی قرار گرفت. شورای عالی پرازا استعفای رهبر و یکی از معاونین کنگره (نماینده خط میانه) دو نفر دیگر را (از دو نظر موجود در خط رزنده) انتخاب کرد که با آنان یکی دیگر از معاونین کنگره که استعفا نداده بود مسئولیت موقت کنگره راسیون را بمعهد بگيرند. شورای عالی عنوان بر مسئولیت برتزاری کنگره ۱۶ و شائک زیر را بمعهد مسئولین موقت قرار داد:

۱- مسئولیت کنگره راسیون جهانی و نمایندگی آن در سطح خارجی

۲- انجام امور جاری کنگره راسیون جهانی

۳- تدارک تشکیلی سیاسی کنگره فون العماده

۴- انجام فعالیتهای دفاعی در حدود امکانات

شورای عالی همچنین مسئولین موقت توصیه نمود که برای بررسی چگونگی و امکانات غیرو از وضعیت کنونی (وضعیت بلافاصله پس از کنگره) و براین اساس تدارک تشکیلی سیاسی کنگره آینده یک کمیسیون با شرکت تمام نمایندگان

درون کنگره راسیون تشکیل دهد . ( از پخشنامه شماره ۱ مسئولین موقت - ۲۰ ژانویه ۱۹۲۵ )

مسئولین موقت بر اساس تصمیمات مکرر و با توجه به اهمیت برگزاری يك آکسیون وسیع در دفاع از جنبه انتقادی خلق عمان برنامه ای را برای برگزاری این آکسیون شرح ریزی کرده و اولین پخشنامه خود را در این ارتباط در تاریخ ۳۰ ژانویه ۲۵ به واحد ها فرستادند و از واحد های کنگره راسیون خواستند که فعالیتهای خود را بر روی انجام این برنامه متمرکز نمایند . همراه با پخشنامه های بعدی در تاریخهای ۱۰ و ۱۲ فوریه مسئولین موقت مدارکی را که واحد ها برای پایه ریزی آکسیون بدانها احتیاج داشتند ( نظیر گزارش سیاسی نماینده جبهه خلق برای آزادی عمان به کنفرانس پاریس ، برنامه کار کنفرانس پاریس ، قطعنامه کنفرانس پاریس ، لیست ادارات ، مورد احتیاج جبهه خلق ، تصمیمات نشست مشترک ۱۱ ژانویه در فرانکفورت و ... ) به زبانهای انگلیسی و آلمانی در اختیار واحد ها قرار دادند .

همزمان با این فعالیتها ، مسئولین موقت علی نامه ای به اعضای کنگره راسیون که در کشور به عنوان اعضای کمیسیون مشترک از نشرات موجود پیشنهاد شده بودند ، از آنان برای شرکت در کمیسیون مشترکی که سه شعوبه ایی تشکیل آنها به مسئولین موقت توصیه نموده بود دعوت نمودند . ۳ نفر از این شعوبه ایی خود را برای شرکت در کمیسیون اعلام کردند ولی ۲ نفر دیگر ( نماینده کان دو نشر از خا خا راست ) با مراجعه خاورون به مسئولین موقت اعلام کردند که برای بحث و تبادل نظر در جلسه ای حاضر بشوند هستند ولی همچوگونه مسخوش برای يك چنین کمییونی ناکام هستند و اصولاً مسئولین را عاری از مرکزیت و نظینه و مسئولیتی برای رهبری کنگره راسیون می دانند . نتیجه بود که مسئولین زیر بار تشکیل جلسه مسخوشی که هیچ فونکسیون مشخص ندارد و بیشتر يك مجلس مهمانی خواهد بود تا يك کمیسیون کنگره راسیونی ، مصروفند و نتوانند کمیسیون مشترک با خود داران خلق راست از شرکت در آن عملاتوانست تشکیل گردد .

آزبچه را که خطر راست تا این زمان مبنی بر عدم رسمیت شناختن مسئولین موقت نشاننا اعلام کرده بود ، برای اولین بار در نامه ۲۶ / ۳ / ۲۵ بهیران ، راسیون عمان به مسئولین موقت گنبا اعلام کرد .

در جریان برگزاری آکسیون دفاع از جنبه انتقادی خلق عمان که با برگزاری نمایشنامه های عکس ، نمایش فیلم ، برگزاری جلسات سخنرانی ، پخش اعلامیه و چاپ و پخش ... ۲۰۰۰۰ روزنامه های زبان آلمانی از طرف کنگره راسیون آغاز شد و میباید با يك آکسیون حاد ضد رژیم به نقطه اوج خود میرسد ، مسائل جدیدی بروز کرده . مسائل که هسته تکیه بر روی نکات مورد اختلاف درون خطه رزمنده - و نه آنطور که تا آنزمان عمل شده بود تکیه بر وجوه اشتراک را - در خود داشت و میرفت که انشعاب سیاسی و بدنیال آن انشعاب تشکلاتی بخشی از خطه رزمنده را زمینه سازی کرده و در قدمهای بعدی علی سارر . اولین تظاهر این انشعاب جدید - صرف نظر از بحثها و تکیه

بین مسئولین هر دو چگونگی برگزاری آکسیون حاد ضد رژیم و شرکت یا عدم شرکت خط راست در رهبری این آکسیون  
وجود بود - را میتوان در انشعاب بلزمان آخن از تظاهرات ضد رژیم ای کشف راسیون در دفاع از بنیاد افشایی خلق  
عمان در شهرکن و برگزاری تظاهرات مستقل در آخن با این استدلال که باید علیه "سوسیال امپریالیسم" شعار طرح کرد -  
حده نمود . لازم بتذکر است که مسئولین وقت با اشتراک نظر و با توافق هر سه نفر تدبیرا - جلسه "مشرق انگلستان" -  
سیون با نمایندگی "جبهه" خلق برای آزادی عمان و کمیته های دفاع از جنبش خلق عمان را در مورد چگونگی برگزاری  
آکسیونهای مشترک در دفاع از این جنبش - که در آن صریحا تاکید شده است در این آکسیونها نمیاید علیه "رژیم  
و دیگر کشورهایی که با جبهه" خلق روابط دوستانه دارند موضعگیری نمود - ( موضع جبهه" خلق برای آزادی عمان به  
به واحد های کشف راسیون ارسال کرده بودند .

یک نکته بسیار مهم را باید در اینجا توضیح دهیم . از همان ابتدای همکاری و نظر در خطر رزمندگی ، ما  
معتقد بودیم و هنوز هم هستیم که برای رسیدن به راه حلی برای خروج از اوضاع فعلی میباید مبارزات خود را علیه  
رژیم ارتجاعی و وابسته با امپریالیسم و نیز مبارزات خود را علیه امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم خونخوار  
آمریکا هرچه بیشتر توسعه و شدت دهیم . زمانی که مبارزه حاد ضد رژیم - در برائیک و نه در حرفی - در دستور  
کار قرار گیرد ، افشاکری و مبارزه سیاسی علیه خط راست بسیار موثر بوده ، سیاستهای سازشکارانه "راست افشا"  
شده ، رهبری آن مغفول گردیده و معنوی راست آن طرف دیگر در ابتدای کار هیات مسئولین  
ساله" دفاع از جنبش انقلابی خلق عمان نیز در صدر برنامه های مشترک خط رزمندگی قرار داشت . مسئولین وقت  
در اولین برنامه مبارزاتی خود - برنامه" دفاع از جنبش انقلابی خلق عمان - انجام یک آکسیون حاد ضد رژیم  
را بعنوان نقطه اوج این مبارزات در نظر گرفتند . دو تن از مسئولین معتقد بودند که برای انجام این آکسیون  
باید با سایر نیروهای درون کشف راسیون تماس گرفت و از آنان برای شرکت در این مبارزه دعوت نمود ولی در رای  
این برنامه و برای حفظ رزمندگی آن ، رهبری این مبارزات باید بعهده خود مسئولین وقت باشد . در این باره این  
نظر مسئول دیگر معتقد بود که با اجرای یک برنامه حاد خط راست خود را تحت فشار احسان قرار دهد و از  
اینرو با اجرای آکسیونهای حاد مخالفت میکرد . و از طرف دیگر میگفت که باید کمیته رهبری برای برنامه ریزی و رهبری  
مبارزات با شرکت همه خطوط تشکیل داد . زیرا در غیر اینصورت خط راست حاضر به شرکت در مبارزات نمیتواند  
بود . به عبارت دیگر این رفیق از هیئت مسئولین میخواست آنچه را در کنگره عطفی نشده - یعنی شرکت دادن خط  
راست در رهبری - اکنون از طریق دیگری عطفی سازد . همه اینها اختلاف نظر در این زمینه باعث شد که رژیم مزبور  
با انجام آکسیون مخالفت ورز و به یکباره عملا از کلیه مواضعی که تا آنزمان علیه خط راست اتخاذ کرده بود عدول  
نماید .

مخزمان با عدم شرکت سازمان آخن در تظاهرات کن و برگزاری تظاهرات جداگانه ، کاسم کردوانی یکی از



مسئولین موقت در نیمه ماه مارس نامه ای را که از قبل آماده کرده بود، به دو مسئول دبیر ارشد عیداد و به انستیتو صلواتی پیرخانان کنگهداراسیون را ترک میکنند و حدود یک ماه و نیم تماسی با دیگر مسئولین نمیگیرند. اختتام کارهای مسئولین موقت در واقع بر سر مبارزه، تابع علیه خط راست در پرونده تشدید مبارزه ضد رژیم و ضد امپریالیسم استی برود. اختلاف بر سر این بود که آیا مبارزه با راست روی هنوز ضرورت دارد و باید این مبارزه با آن روی برود و یا باید در نیمه راه متوقف کرد. زیرا نویسنده خط راست عقب نشینی کرده است. دور میسر مسئولین در اول را دانستند و مسئول سوم نفر اخیر را. تاخیر کرد وانی در نامه خود مدعی میشود که خط راست سابق نشینی کرده است و ادامه مبارزه علیه آن به معنای گرایش به چپ سازمانی است. این خط است. وی در این نامه مدعی میشود که مسئولین موقت فقط برای نمایندگان کنگهداراسیون جهانی در سطح خارجی، انجام بروشی امور جاری و تشکیلی کمیسیونی با شرکت کمیته نشرات درونی کنگهداراسیون جهت بررسی امکانات خروج سازمان از وضعیت کنونی و بدارت ریاست سازمانی تکمیل کرده انتخاب شده اند. و در آخر محدودا اعلام مینماید که حاضر نیست در دیدار با نمایندگان که به ادامه حالت انشعاب در سازمان منتهی گردد شرکت نماید و از اینبار این شاهد پرونده تشکیلی سازمان باشد.

دوربینی مسئول دیگر در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۷۵ نامه وی را

جواب داده و بر روی مبارزه ضد رژیم و ضد امپریالیسم و لزوم پیشبرد امر مبارزات کنگهداراسیون علیه رژیم شاه کارب شکمهای راست روان و در این پرونده انفرادی و طرد کامل راست روی از درون جنبش تکیه میکنند و در آخر از وی دعوت میکنند که هرچه زودتر از سفر خود بازگردد تا شکی به شکی "مسائل مختلف را" بحث و حمدیند و کرده و برای پیشبرد امر مبارزه برنامه ریزی دقیق نمایند.

با یاد مذکور شد که تا تاریخ انتشار این نامه از طرف کاظم کرد وانی، فعالیتهای کمیسیون موقت انستیتو صلواتی مشترکا برنامه ریزی شده و کوشش برای تشکیل کمیسیون و فعالیتهای دفاع از جنبش خلق عمان نیز مشمول همین برنامه ریزی مشترک میشد. بنابراین روشن میشود که مخالفت کاظم کرد وانی با "هرگونه فعالیت که به ادامه حالت انشعاب در سازمان منتهی گردد" دقیقا مخالفت با فعالیتهای نامبرده در بالا و مشخصا با فعالیت حامی رژیم تکمیل. راسیون بر رهبری مسئولین موقت بود و آنده را کاظم کرد وانی میطلبد ولی تا در نیمه پخش اثر شدت مبارزات در مبارزه علیه خط راست صراحتا اعلام نماید. ایجاد کمیسیون مشترک رهبری کننده فعالیتهای کنگهداراسیون یا خط راست و در واقع زیر پادشاهان همه مزاحمتی است که در شماره ۱۶ انجام کرده است.

همانگونه که اشاره شد کاظم کرد وانی پس از ارائه مخالفت کسی خود به دیگر مسئولین در مورد "هرگونه فعالیت" که به ادامه حالت انشعاب منجر شود و در واقع با تسلیم استعفای تلویحی خود دبیرخانه کنگهداراسیون را ترک میکند و کوچکترین تماسی با مسئولین دیگر نمیگیرد و تازه در روز ۲۸ آوریل یعنی ۶ روز بعد از انتشار اطلاعیه مطبوعاتی کنگهداراسیون در مورد شهادت انقلابیون گروه جزئی و سازمان مجاهدین خلق ایران در لوموند و درست یکروز قبل از

اشغال سفارت شاه در لندن و برگزاری تظاهرات مرکزی کفدراسیون در کلن سرو که اش پیدایشود و متوالش این است که در رفیق مسئول چرا وی را در جریان فعالیتهای قرار نداده اند. انتشار وی اینست که کفدراسیون فعالیتهای خود را مسکوت بگذارد، در قبال این جنایت همسایته در تخمین رژیم ساکت بماند تا اگر احتمالاً رفیق مسئول هوس کرد و سرانگی از رفقای دیگر مسئول گرفت از وی خواهش کنند که برنامه دفاعی و مبارزاتی طرح کند و تازه آنهم برنامه ای که تحت رهبری مشترک کردوانی و خطر راست به مرحله اجرا در آید، همانگونه که در مورد آکسیون طنز چنین انتشاری داشت. و اگر صدمه را شرکت خطر راست در رهبری پذیرفته نشد با انجام هرگونه فعالیتی که با راهی حالت انشعاب در سازمان منتهی گردد مخالفت نماید.

پس از تجربه آکسیون طنز باید برای این جماعت و بخصوص برای شخص مسئول نامبرده روشن میبود که نه بخاطر خوش آمدن آنان در بار رهبری مشترک با خطر راست خواهیم رفت و نه بخاطر ترس از عدم شرکت آنان و خطر راست در مبارزات کفدراسیون اجازه خواهیم داد فعالیتهای دفاعی کفدراسیون تعطیل گردد و چرخ مبارزات کفدراسیون در انتشار ورود ایشان از چرخش باز ایستد. (نکته روی نقل قولها از ماست)

تاسف آور است که بگوئیم ایشان - کسانی که خود را مبارز ضد رژیم و ضد امپریالیست میدانند، کسانی که خطر راست را مورد حمله قرار میدادند و در تکرار ۱۶ جای خویش را در بختر رزنده کفدراسیون میدانستند - حتی از قرائت بخشنامه های مسئولین موقت در مورد شهادت و انقلابی و از پخش اعلامیه ها و نشریات کفدراسیون در باره جنایات شاه از پخش رنستانس و پیمان و از تبلیغ آکسیون درخشان اشغال سفارت شاه در لندن، از تبلیغ اقتصادیات موفقی لندن و اطریش خودداری میکنند و فقط به تبلیغ و بزرگ کردن انصاف غذای هاسبرگ میپردازند. اکثریت هیئت در ایران سازمان امریکا - انقلاب خطر راست و میانه - متحداً از تکثیر نشریات کفدراسیون، از تکثیر و پخش پیمان خودداری میکنند و آنگاه ادعای مبارزه ضد رژیم هم مینمایند.

حاصل آنست که در راست روان حمایت کامل خود را از آنچه که بنام آکسیون دفاع از جنبش خلق عمان تحت رهبری نه بهران کفدراسیون عمان انجام گرفت نیز دریغ نداشتند.

نشست عمومی سازمان برلن در تاریخ ۲۳ ماه مه بعد از برخورد به فراخوان مشترک برای تجلی و اغتای محتوی مبارزاتی فراخوان (از صوبه سازمان برلن) پیشنهادات زیر را برای آوردن در فراخوان تصویب مینمایند:

- ۱- ماهیت، دست نشانده گی رژیم فاشیستی شاه با امپریالیسم امریکا در فراخوان دقیقاً منظور گردد.
- ۲- مبارزات مردم علیه رژیم و مبارزات سازمانهای رزنده انقلابی درون کشور در پشتیبانی از مبارزات آزاد پیکش خلیج فارس و عمان آورده شود.

۳- نقش جمهوری یمن و سوکراتیک یمن جنوبی در پشتیبانی بیدرینش از مبارزات خلق طنز و عمان آورده شود.

۴- شعار "سرتکون باد رژیم فاشیستی محمد رضا شاه" به شعارهای فراخوان اضافه گردد.

۵- به محتوی "جنگ توده ای" در رابطه با مبارزات آزاد پیکش مردم طنز و عمان اشاره شود و شعار زنده باد جنگ توده ای به شعارهای فراخوان اضافه گردد.

۱- در مورد اینکه آیا در قالب آکسیون مشترک آنطور که در پارسی و فرانکفورت منظر تمام نماینده گان شرکت کننده بود - اشاره به نقش ضد انقلابی شوروی ضروری می باشد یا خیر با نماینده جنین آزاد پیشتر طفا ر تماس گرفته شود و در صورت لزوم در فراخوان آورده شود . در غیر این صورت میبایستی بدون وقفه طبق نظر نماینده جنبه آزاد - پیشتر تماس کرد .

همسزنه که قبلا اشاره کردیم مسئولین موقت کفدراسیون علی اطناعیه ۶ / ۱ / ۶۵ نظر خود را در باره محتوی و جهت این آکسیون و نیز نظر جنبه آزاد پیشتر را در مورد چگونگی برخورد به شوروی به واحد ما اعتم کرده .  
" دبیران کفدراسیون آلمان " پس از اینکه مواجه با برخورد شدید و قاطع توده های دانشجویی گردیدند تنها حاضر شدند شعار " مرگ رژیم فاشیستی شاه " را قبول کنند و آنرا علی اطناعیه ای بواحد ما اعتم نمایند .  
گردانی طی بخشنامه ای که از دبیرخانه سوارش صادر کرد واحد هارا به شرکت در " تظاهرات ۲۱ ژوئن که با شرکت نماینده جنبه خلق برای آزادی عمان در لکن برگزار میشود دعوت نمود و مسئولین موقت را بهاد ناسزا گرفت . وی هنگامی به این دعوت اقدام کرد که دقیقا مطلع بود نماینده جنبه خلق در این آکسیون شرکت نمیکند .

حاصلان جدید خط راست از برلن و سایر شهرهای آلمان نیز در تظاهرات ۲۱ ژوئن - در تظاهراتی که مواضعش و نقطه حرکتش کاملا مخالف و متضاد با نترات جنبه خلق و نماینده اش بود - شرکت کردند و مسئولین موقت را مورد حمله قرار دادند که توده دانشجویی " دعوت به خانه نشینی کرده اند و در برلن قطعنامه ای پیشنهاد کرده که در آن اقدام مسئولین موقت را در ارتباط با توضیح جهت و خواست آکسیون فوق الذکر " شدیداً بعنوان یک اقدام ارتجاعی محکوم " نمودند . سخنگویان این جمع در سمینار برلن با ارائه مدارکی از حزب کمونیست آلمان و یکی از سازمانهای وابسته بآن " جامعه ضد امپریالیستی " ( لیگا ) کوشش نمودند حمایت این سازمانها را از رژیم منظر پهلوی نشان دهند و اثبات نمایند که با حرکت از مواضع حزب کمونیست آلمان و لیگا و بخاطر تکمین در قبال مواضع ارتجاعی این سازمانهاست که " دبیران کفدراسیون آلمان " در فراخوان مشترک در مورد جنبش خلق عمان از توضیح ماهیت ارتجاعی رژیم شاه و نقش زاندارسی وی در منطقه از اشاره به نقش انقلابی جمهوری دموکراتیک یمن در پشتیبانی از جنبه خلق از اشاره به همبستگی سازمانهای انقلابی ایران با جنبش خلق عمان و بالاخره از شعار " سرنگون باد رژیم فاشیستی محمد رضا شاه " صریحتر مینمایند و با تمام اینها نتیجه ای که از ارائه این مدارک و تحلیلشان میگیرند اینست که مسئولین موقت " توده هارا دعوت به خانه نشینی " کرده اند .

باید از این حضرات پرسید اگر آکسیون چنین شخصاتی دارد اگر آکسیون که زیر پوشش دفاع از جنبش خلق عمان صورت میگیرد هدف اصلی اش مبارزه با " ابر قدرتها " و مشخصا " ابر قدرت شوروی " است اگر آکسیون تحت عنوان " آکسیون ضد رژیم " انجام میشود و چیزی که ندارد ساله " ضد رژیم " است و بالاخره اگر آکسیون برای دفاع از جنبش خلق عمان " ترتیب داده شده که کلمه مواضع جنبه خلق برای آزادی عمان را نقل کرده و نماینده جنبه خلق دقیقاً بخاطر مواضع اتخاذ شده در این آکسیون از شرکت در آن خودداری مینماید و مخالفت خود را با آن اعتم میکند چگونه مخالفت مسئولین کفدراسیون با این جنبش آکسیونی و عدم شرکت در آنرا " دعوت به خانه نشینی " و " سکوت در مقابل ارتجاع " و بالاخره " یک اقدام ارتجاعی " مینماید ؟

کسانی که تصویب میکنند "صیابستی بدون وقفه طبق نظر نماینده" جبهه "آزاد بینر عمل کرد" چگونه بنمود  
جرات میدهند دیگران را که دقیقاً طبق نظر نماینده "جبهه" آزاد بینر عمل کرده اند مشیم به "خانه نشینان و"  
"سکوت در مقابل ارتجاع" و بالاخره کوشش در جهت پیشبرد "مقاومت انشعابگران" خود نمایند ؟  
آیا این مائیم که "سکوت در مقابل ارتجاع" را پیشه خود کرده ایم و یا شما که با شرکت خود در این آکسیون  
ضد جنون خلق عمان و ضد کفدر راسیون آب به آسباب ارتجاع میریزید و به تأیید و تثبیت مواضع ارتجاعی بدون  
سازمانهای متحدتان در آکسیون کمک میرسانید ؟ این مائیم که در جهت حفظ مواضع مترقی کفدر راسیون در ارتباط  
تباط با جنون خلق ایران و سازمانهای انقلابی درون کشور در ارتباط با منتشر کفدر راسیون و خواست سرنگونی  
وزیر ضمر پهلوی در ارتباط با افتشای نقش شاه بعنوان زاندارم امپریالیسم جهانی در منطقه و بالاخره در ارتباط  
با مواضع جبهه "خلق برای آزادی عمان کوشش میکنیم و یا شما که با شرکت و حمایت خود از "دوران کفدر راسیون  
آلمان" زمینهای پشتیبانی این مرکزیت قلاسی ایجاد میکنید که حتی بخود جرات دهد که با قطعنامه "سکوت"  
پیشنهادی نماینده "جبهه" خلق که شما مدعی انطباق اعمالتان با نظریه هستید ( بمخالفت برخیزند ؟ و بالاخره  
آیا این ما هستیم که "مقاومت انشعابگران" خود را به پیش میریم یا شما که با پشتیبانی آنان از انشعاب سیاسی و  
تشکیلاتی که پیش از یکسال است عملی شده ( و خود نیز تا چند پیش همین اعتقاد را داشتید ) آنها تحکیم میکنید  
و در همین حال زمینه توجیه انشعاب سیاسی دیگری را که در ماههای اخیر صورت گرفته و برود که اشکال از این و  
تشکیلاتی خود را نیز بیاید فراهم مینمائید ؟

این آخرین بار در تاریخ نخواهد بود که روشکستان و درماندگان سیاسی آنچه را که در حال انجام هستند  
دیگران نسبت میدهند . در تظاهراتی که در مخالفت با نظر جبهه خلق برای آزادی عمان برآه مسیماقتند  
شرکت میکنند و دیگران را به ( "سکوت در مقابل ارتجاع" و دعوت به خانه نشینی "متم میکنند . به دفاع  
از مرکزیت قلاسی "دوران کفدر راسیون آلمان" برخیزند ، انشعاب سیاسی و تشکیلاتی را پیش از یک سال است  
حمایت میکنند ، خود نیز از مواضع سیاسی که تا چند ماه قبل مدعی داشتن آن بودند میروند ، دست به تشکیل  
مرکزیت جدید میزنند ، از دفتر خانه سبارشان مرتباً بنام کفدر راسیون "بخشناه" و "اطلاقیه" صادر میکنند ، خود سران  
و بدون کوچکترین اصلاح مسئولین موقت بنام کفدر راسیون ، شانزده اندر منتشر میکنند و بالاخره در "بخشناه" نیلی  
فوری " ۲۷ ژوئیه شان برای "کفدر راسیون" جبهه شان ادرس و شماره تلفن جدید در کارلسروهه اعلام میکنند و انشاء  
فرهاد و انشعابها بر میآورند . به اینگونه است که این واخوردگان سیاسی در همه زمینه های سیاسی و تشکیلاتی از  
کفدر راسیون بریده اند و اعلام استقلال کرده اند و پاهای خیال وادی که قادر به پوشاندن چهره واقعی خود  
هستند ، علم مبارزه با انشعاب را بلند کرده اند و جراح بدست در کوچه های باور مردم بدنبال انشعابگران می-  
گردند .

برای شناخت بهتر از مسائلی که از آنها صحبت کردیم باید باز هم به گذشته برنگردیم و بعضی جنبه های دیگر از  
مسائل مورد اختلاف را بشکافیم . یکی از زمینه های که این اختلافات سیاسی در آن پرورش یافته اند زمینه

امور دفاعی کنگره راسیون است. ما در مقدمه این مقاله اشاره کردیم که در شرایط کنونی جنبش خلق و رشد مبارزه مسلحانه ما معتقدیم که مسائل سیاسی را باید در پرتو این عالیترین مبارزه انقلابی مطالعه نمائیم. برخورد ما به مبارزات دفاعی کنگره راسیون جهانی نیز بخاطر کسب زمین زینه انجام میگردد. ما دفاع از جنبش عمومی مردم را بعنوان یک اصل اعلام کرده ایم که باید در برنامه دفاعی کنگره راسیون مورد نظر قرار گیرد. مبارزات خلق در هر مرحله سطوح و بخشهای مختلفی را در بر میگیرد که بسته به شرایط و نیروهای شرکت کننده در مبارزه، در هر مرحله معین بخشی از آن تبلور عمده تری می یابد. در مرحله کنونی مبارزه مسلحانه عالیترین راه مبارزه است و سیاستهای دفاعی کنگره راسیون نیز نتیجتاً باید با برخورداری از اصل بالا و حقیقتی که ذکر در مورد مبارزه مسلحانه شکل بگیرد. این تبلور یک بخش از مبارزه در هر مرحله بهیچوجه مربوط به خواست افراد نیست، بلکه مستقیماً در رابطه با شرایط مادی جامعه و چگونگی آرایش نیروهای حاضر مبارزه میباشد. در چنین زمینه ایست که عمده کردن عناصر جنبش مبارزه از طرف خط راست انحراف دیگری از جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما بشمار میرود.

اینبار با بهره گیری از مبارزه ای که در سطح جهانی بین شوروی و چین توده ای در جریان بود، با تکیه به مواضع ضد "سوسیال امپریالیستی" بعضی سازمانهای طرفدار چین توده ای در اروپا و آمریکا مبارزه علیه شوروی از طرف خط راست ایجاد و اهمیتی خاص یافت. بهر حال شوروی برای جنبش خلق ما بهمان اندازه خطرناک شده که آمریکا و منطقیاً مبارزه علیه آن همانقدر اهمیت یافت که مبارزه علیه آمریکا و جدا ناپذیری مبارزه علیه آمریکا از مبارزه علیه شوروی تبلیغ شد تا آنجا که در هر آکسیون و در هر نوشته ای و در هر برخوردی - بدون توجه به وجود معده های لازم و مناسب یا عدم وجود آنها - مبارزه علیه شوروی تا حد انحراف در جهت اصلی مبارزه ضد امپریالیستی عمده شد. آخرین نمونه این کوشش طرح شعار علیه شوروی در تظاهرات ضد راسیون آلمان در مونیخ، بخاطر اعتراض به گتار و انتقادی از طرف رژیم شاه بود.

این جماعت پسر از شکست در کوششی که بخاطر تخییر معنوی مبارزات دموکراتیک کنگره راسیون (صفتی کرائی) مبارزه بخاطر تعدید گذرنامه ها و حذف کنگره راسیون و حفظ توده ها از لورتن و... انجام دادند، در ضد تخییر جهت مبارزه ضد امپریالیستی کنگره راسیون برآمدند. تا این زمان جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی ما همواره موضعی روشن علیه اقدامات سازشکارانه و ضد انقلابی شوروی و پشتیبانی و حمایت دولت شوروی از رژیم فاشیستی شاه داشت. لیکن تکیه مبارزات ضد امپریالیستی کنگره راسیون به درستی بر محور مبارزه علیه امپریالیسم جهانی متمرکز گردید امپریالیسم آمریکا قرار داشت. حال بنظر این عمده میباشد این محور تخییر جهت مبارزه با سیاست مبارزه علیه شوروی در همه جا و در همه نشستها و در همه بحثها و در همه نوشته ها و بالاخره در همه آکسیونها عمده شود.

بدین طریق روشن میشود که اختلاف بر سر انتخاب موضع صحیح علمه شوروی و تبلیغ این موضع نیست. بلکه اختلاف اولاً بر سر مضمون شد ارتجاعی و ضد امپریالیستی کفدراسیون و نشاندادن جهت اصلی مبارزات ضد امپریالیستی آن است. اختلاف بر سر پذیرش مبارزه مسلحانه با عنوان تنها راه پیروزی نیست. بلکه اختلاف بر سر مضمون و محتوی مبارزات داخلی کفدراسیون و تعیین جهت‌دهی این مبارزات است.

### بخشی نکات را بشکافیم :

دفاع از زندانیان سیاسی : تا سال ۱۹۷۴ چنین گمان صرفت که لاف در این سخنرازی‌های کفدراسیون اختلاف نظری وجود ندارد. با مرگ حکمت جو در زیر شکنجه های رژیم شاه و لغت این خبر در ارکانهای کفدراسیون مفهوم دفاع بی قید و شرط از زندانیان سیاسی ایران و در واقع مفهوم مبارزه بی قید و شرط علیه رژیم شاه مورد سوال قرار گرفت. در ابتدا فرزند خلق نامیدن حکمت جو مورد اعتراض بود و سپس دفاع از وی بعنوان عنصر مبارز ضد رژیم و حمله به رژیم شاه در مورد کشتار وی مورد حمله این عده قرار گرفت. زیرا رژیم ایران بین حکمتجو و عمال امپریالیسم آمریکا تمیز هلمز فرقی نیست. میبینیم که همانگونه که انتظار میرفتنسی این عده مورد دفاع از زندانیان سیاسی و شبها نیز منمکس کرده. اینان آگاهانه یا ناآگاهانه برای رژیم "جنایات بد" و "جنایات خوب" قائلند و در واقع توجیه فاشیسم پهلوی برداختند. این امر میتواند مقدمه ای بشود برای اینکه بعد ها نیز تحت عنوان "خرابکاران" و "آنارنیستها" و "خورد پیروزهاشیکه" با دست زدن به مبارزه مسلحانه و "کشاندن کارگران به این مبارزات به مبارزات طبقه کارگر لطمه میزنند" دفاع از انقلابیون مسلح خلق نیز مورد سوال قرار گرفته و یا حتی از انجام این وظیفه عده سر باز زده شود.

دفاع از جنبشهای آزادیبخش : در این زمینه نیز در گذشته اختلاف نظری بجز در موارد جزئی بروز نمیکرد. ولی بدین حال عده شده ساله شوروی و مسخ در تبلیغ این ساله در هر آکسیون فعالیتهای کفدراسیون در این بخش نیز دچار اغلال کرده. بخشی از تظاهرات درون کفدراسیون بدون توجه به جهت اصلی آکسیونها و بدون بدست دادن ارزیابی دقیق از نقشی که شوروی در ساله مورد نظر دارد. با مورد و به مورد مبارزه علیه شوروی را در همه موارد علم میکنند. آخرین نمونه این حرکت تظاهرات کفدراسیون در دفاع از جنبش انتقالی خلق عمان در ماه مارس و برخورد خدراستوسازمان آخن باین آکسیون و نیز آکسیون "دوران کفدراسیون آلمان" در این رابطه در ماه روشن میباشد. در تظاهرات منطقه ای کفدراسیون در شهر کن سازمان آخن ( که خود تا مدتی کوتاه قبل از این تظاهرات در صف مظاهره کننده ساله شوروی قرار داشت و اکنون به مواضع آنان در غلبیده بود ) به بهانه این در آکسیون کن به ساله شوروی اشاره ای نشده است. از شرکت در تظاهرات خود داری میکند و خود اقدام به برگزاری تظاهرات جداگانه در شهر آخن مینماید. نتیجه عطفی این حرکت جز ایجاد تشتت در فعالیتهای جز جلودگویی از تمرکز نیرو بر سر این آکسیون و جز ضربه زدن به تظاهرات کفدراسیون چیز دیگری نیست.

در ماه به خط راست کارزار جدیدی را علیه مرکزیت کنگره راسیون جهانی ، علیه مواضع و موازن سیاسی جنبش دانشجویی و علیه موازن تشکیلاتی سازمان ما و در جهت تثبیت " رهبری فدراسیون آلمان " بعنوان مرکزیتی در مقابل کنگره راسیون جهانی میزند و نام این کارزار را " برنامه " دفاعی در ایران فدراسیون آلمان برای دفاع از جنبش خلق عمان " میگذارد . در همین رابطه است که بهرمان فدراسیون آلمان در بخشنامه " دبیرخانه " دفاعی ۷۵ / ۵ / ۸ به دروغ ادعا میکنند که : " برگزاری جلسات وسیع همبستگی با شرکت نماینده " رسمی جبهه " خلق برای آزادی عمان " و " و باز در فراخوان خط راست در مورد " باصطلاح " اساس سیاست دفاعی " مربوط به همین برنامه است که آنچه که اصولاً محلی از اعراب ندارد توضیح ماهیت و نقش ارتجاعی رژیم شاه در منطقه ، همبستگی سازمانهای رزمنده " انتقال بی درون ایران با جبهه " خلق برای آزادی عمان ، توضیح نقش جمهوری توده ای بین دوکراتیک بعنوان پشت جبهه " انقلاب خلق عمان و کوششهای ارتجاع جهانی جهت سرکوب این پایگاه کمک رساننده به انقلاب خلق عمان ، و تبلیغ شعار سرنگونی رژیم شاه است .

این در زمانی اتفاق میافتد که سازمانهای انقلابی رزمنده " ایران با جبهه " خلق برای آزادی عمان اعلامیه " مشترکی امضا کرده اند که اهمیت تمام نکات فوقی را در آن تاکید میکنند :

" ما همچنانکه اعتقاد راسخ خویش به بارزه " سلحمانه " خلقهای قهرمانان و دیگر خلقهای منطقه پیروزه خلق قهرمان فلسطین بر علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع را اعلام میداریم . تجاوز نظامی ایران به عمان و هدفهای توسعه علیانه " رژیم شاه مزدور و تجاوزات مکرر آنها علیه خلقهای مبارز منطقه محکوم مینمائیم .

ما تنفر صریح خویش را از نوطه های امپریالیستی و ارتجاعی علیه بین دوکراتیک که هدف آنها از بین بردن این دولت متوقی و پشت جبهه " مستحکم و تکیه گاه اصلی انقلاب عمان است اعلام میداریم .

ما همچنین تصمیم قاطع خویش را بداشته " مبارزه علیه دشمن مشترک " دوش بدوش همه نیروهای انقلابی منطقه و در یک جبهه " واحد و فشرده تا کسب پیروزی نهایی اعلام میداریم .

( تکیه ها همه جا از ماستم )

از اعلامیه " مشترک	جبهه " خلق برای آزادی عمان	سازمان چریکهای فدائی خلق
	سازمان میاهدین خلق ایران	سازمانهای جبهه " ملی ایران
	بتاریخ ۷۵ / ۲ / ۵ برابر	۵۲ / ۱۱ / ۱۶

همانطور که از نقل قول بالا معلوم است تمام نکات فراموش شده از طرف خط راست در این باصطلاح آکسیون دفاع از جنبش خلق عمان " اتفاقا " همانهایی هستند که مورد تاکید جبهه " خلق برای آزادی عمان و سازمانهای انقلابی ایرانی متحد آن است .

اطلاعیه مسئولین وقت پس از برشمردن کمبودهای اساسی فراخوان از جمله عدم اشاره به ماهیت و نقش ارتجاعی رژیم شاه رضی الله عنه خودداری از اشاره به همبستگی انقلابیون مسلح ایران با جبهه خلق برای آزادی عمان و خودداری از کوچکترین اشاره‌ای به دفتر جمهوری تودهای و موکراتیک بین در پشتیبانی و کمک به جنبش خلق عمان و حتی خودداری از آوردن شعار "مرگ رژیم فاشیستی شاه" در فراخوان مشترک اینگونه ادامه میدهد:

"... این اقدام خود سرانه و بیبرایان فدراسیون آلمان در واقع اهتزاز جدائی رسمی از کفدراسیون جهانی و جنبش انقلابی صیبن ما و منطقه بشمار میرود... و بیبرایان فدراسیون آلمان در بخشنامه" ۸/۵/۷۵ خود از واحد هما خواسته‌اند که در ویرل جمع آوری شد همراه ادوین تمومین شده از طرف کمیته مشترک ارسال نمایند. فراخوانیدن واحدهای فدراسیون آلمان به عدم ارسال کمکهای مالی برای جنبش انقلابی خلق عمان به حساب مخصوص غلغلسار که در اختیار کفدراسیون جهانی است و هدیه فی جز کوئینتر برای کفدراسیون جهانی و ایجاد مرکزیت دیگری بنام کفدراسیون آلمان در مقابل کفدراسیون جهانی تعقیب نمیکند... راهی را که بیبرایان فدراسیون آلمان در پیشبرد گرفته‌اند راه جدائی از موازین و تشکیلات کفدراسیون جهانی است. ما به تمام رهبان و نیروهای رزنده کفدراسیون جهانی اعلام میکنیم که روز ۲۱ نوین روز تحویل پلاتنوم آلمانی بیبرایان فدراسیون آلمان روز نمایش جدائی رسمی از کفدراسیون جهانی است که بیبرایان فدراسیون آلمان بخیاال خود میخواهند زیر پرچم پشتیبانی از جنبش خلق عمان و با حضور نیروهای خارجی این جدائی واقعی سازند."

بدنیال انتشار این اطلاعیه و کتبه خطوط راست و انحرافی حمله شدیدی رانست به مسئولین وقت شروع کرده و به ساخت و تازیرد اختند. چرا؟ زیرا کمی از توطئه‌های بزرگ راستها که حمایت با اصطلاح میانها و گروه منشعب از بخش رزنده برادری خود داشت پیروفت کفدانی شود. در سازمان دانشجوگان امریکانیز علاوه بر راستها با اصطلاح میانها نیز حمله شدیدی خود را متوجه مسئولین وقت می کنند و آنها را متهم به "حزب اکیونهای دفاعی طفا در آلمان" می نمایند. نمونه حمله مشترک و نشان راستها و اصطلاح میانها در امریکا اعلامیه ۱۸ ژوئیه "هویت و بیبرایان" سازمان انشعابی جنوب کالیفرنیا است.

جوانانی که آغاز شد و کرجه در زیر ضربات شدید مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی تودهای و انشجویستی در کفدراسیون جهانی درهم شکسته شد که لیکن تا طرف کامل آن که در مبارزات ضد ارتجاعی و ضد امپریالیستی بدون تاثیر نخستین راهبردها... بیبرایان فدراسیون آلمان که از پرنسپهای سیاسی صوری هستند بنظر خود به سابقه با مرکزیت کفدراسیون پرداختند. حرکت آنان در برنامه ریزی برای ایجاد فعالینها و پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق عمان که بلکه نقش موازین سیاسی و اصولی کفدراسیون و غرب زمین به مبارزات این سازمان و در واقع خودداری از دفاع از جنبش انقلابی خلق عمان بود. این حکم زمانی برای همه روشن میشود که به بررسی فراخوان بنیاد راست بیبرایان فدراسیون آلمان و متحدین شان و اعمالی که در این با اصطلاح فعالینها دفاعی از جنبش خلق عمان انجام داده اند بپردازیم.



م. بیران فدراسیون المان " در جواب به دعوت مسئولین وقت برای تشکیل جلسدهای جهت تدابیر اکسیونهای  
 دفاع از جنبش انقلابی خلق همان در تاریخ ۲۶ مارس ۲۵ مه نویسد: " ... شغلاتنا همسال  
 هجولانه سخننامه با اعضا مسئولین کفدراسیون جهانی در مورد دفاع از جنبش ظفار او را بد  
 ... " در ادایمان می نویسد " ... بهر صورت، بنظر ما " سخننامه ها " در حقیقت علیه م. بیران  
 فدراسیون المان است و نه برای دفاع از جنبش خلق عمان. لازم به تذکر است که روز شنبه و یکشنبه کوشش شد به  
 شاتمار گرفته شود ولی در خانه کفدراسیون نبودید. " و در آخر نامه می نویسد " ... یک چیز روشن است و آن اینکه  
شمار مرکزیت کفدراسیون نیستید زیرا کنگره ۱۶ نتوانست برای کفدراسیون جهانی مرکزیتی حتی به صورت موقتی  
 انتخاب کند. " ( تکیه از ما است ) یعنی این م. بیران فدراسیون المان " بجای تماس و تعیین وقت برای جلسه  
 با یک سلسله تریبونهای نادرست و احکام قلابی اصل مطلب مورد نظر خود را بیان می دارند که این افراد اصولاً مسئولین  
 وقت راحتی ... بزبان مرکزیت وقت قبول نمی آرند و میخواهند با نفی مرکزیت کفدراسیون همه فهای خود را در  
 کنند و البته برای خالی نمودن تریبونه به کوششهای خود برای تماس تلفنی اشاره میکنند. اینان با سازمانهایی که  
 معتقدند شاه مبارزه ضد امپریالیستی میکند که تمام رژیم شاه و خلق تضادی است فرعی و نباید شعار مرن پرست  
 با سرنگون باد رژیم شاه را طرح کرد و وحدت میکنند که بر سر موازین سیاسی جنبشها مملکت و مصالحه میکنند و سپس مدعی  
 میشوند که مرکزیت کفدراسیون مواضع غیر اصولی و سازشکارانه دارد. در آنسوی خود دروغ میگویند که مبارزه علیه  
 رژیم را تخمین میکنند و سپس در اطلاعیه شان از نیات پلید رهبری کفدراسیون سخن میرانند. اما نیتی پلید تر  
 از این میتواند وجود داشته باشد که برای خود نمائی در مقابل مرکزیت کفدراسیون به چنین مصالحه نگرانگی  
 تن در داد و به چنین شیوههایی مبتدلی متوسل شد ؟  
 ابتدال کار این عد مبهمین جا خائنانه می پذیرد. م. بیران فدراسیون المان " بهر شیبانی از آنان کالغ کرد وانی  
 در سخننامه ها و اندیشه های خود اعلام داشتند نماینده جبهه آزاد پیشرو در این اکسیونها و مجالس سخنرانی و تظاهرات  
 ۲۱ روشن شرکت میکند و میخواهند با استفاده از این دروغ بزرگ خود " هر چه موسسه تری راجع کنند. آنان میدانستند  
 که چقدر در میان افکار عمومی و در میان خود " دانشجو ظرفیت و از این رو احتیاج به نام نمایندگی جبهه خلق داشتند  
 تا این خلا " به هنر را برکنند. همانگونه که انتظار میرفت نمایندگی " جبهه " خلق در سخنرانی ها و تظاهرات شرکت نکرد و  
 این حضرات پس از اکسیونها خاموش ماندند که کوشی که اتفافی نیافتاده است.  
 این تشبیه افکار عمومی و خود " دانشجوی عضو کفدراسیون نیست که در نما " از این حضرات " ضد امپریالیستهای ناب "  
 دروغ و ریاضت میگیرد. سازمانها و شخصیتهای مترقی نیز از این امری نصیب نمیانند. بلکه سازمان مرکزی و دانشجویان  
 پروتستان و عناصری چون خانم و نجی بوی که هر دو در دفاع از جنبش ظفار بسیار موثر بودند و در مرحمت خط  
 راست فرار میگیرند. و خطر راست که برای کسب اعتبار به هر دری میزنند اینان را نیز از سوء استفاده های خود بی  
 نصیب نمیگذارد.

ایمان گمان میکنند که میتوانند با شمارا تانیزم که با جعل و در سازی خدای سازمانی خود را بر کنند و این همه را جبهه‌ساز سازمانی نمایند. نتیجه فعالیت‌های درخشان اعضا شدند که ان متحون این بود که نه نمایند و جبهه خلیسقی نه ستیم و ون جی بوی و نصارمانهای ضد امیرالستی و مترقی نه بر جی از ان رادریا نام بریم و بسیاری دیگر از جمله نیت‌های همستکی بلخلق عمان که کمیته‌های فلسطین که کمیته‌های خاور نزدیک و سازمانهای دانشجویی عرب هیچ یک در این اکسیونها شرکت نکردند و در بیان فدراسیون المان و در حزب متحدشان را آنها بحال خود رها کردند و بدینطور در روغ دیگر در بیان فدراسیون المان را که در انطریقیه شان متذکر شدند که عدم وجود این سازمانهای دیگر دلیل بر عدم شرکت و پشتیبانی آنان از اکسیون نیست و همه سازمانهای ضد امیرالستی المان ( جز بی سازمان) پشتیبانی خود را اعلام کرده‌اند فائز و بر ملا کردند.

جندی پس از اکسیون در تاریخ ۱۲ و ۱۳ (روبه ۲۵ نشستی بنا به دعوت نماینده جبهه خلق برای آزادی عمان که فدراسیون جهانی و فدراسیون المان که کمیته‌های همستکی با جنبش انقلابی خلق عمان و سایر سازمانهای ضد امیرالست المان جهت بررسی چگونگی اکسیونی کشور رفت و جهت برنامه‌ریزی برای انجام اکسیونهای مشترک و وسیع در دفاع از جنبش خلق عمان تشکیل گردید. در این نشست پس از بحث و بررسی آنچه در رابطه با اکسیون فون الذکر از طرف در بیان فدراسیون المان و متحدینشان صورت گرفته بود که نماینده جبهه خلق قطعنامه‌ای را در پشتیبانی از جنبش خلق عمان و تعیین چگونگی اکسیونهای مشترک به نشست پیشنهاد نمود. این قطعنامه مسود و تأیید کامل فدراسیون و سازمان دیگر حاضر در نشست قرار گرفت.

و سازمان شرکت کننده در جلسه همچنین نمایندگان فدراسیون المان با این بهانه که باید قبلا در رکنگره در این مورد بحث کنند با قطعنامه پیشنهادی نمایند و جبهه خلق مخالفت کردند. بدین ترتیب کسانی ادعای بحث در رکنگره را بهانه میکنند که در رکنگره ۱۶ با قطعنامه مطروحه در رکنگره علیه مواضع ارتجاعی همبانی‌نیز و پشتیبانی اواز رژیم خائن پهلوی و تبلیغ سازش با هیرووازی و میلیتاریسم فرانسه مخالفت کردند.

رفقا! ما تا کنون بطور خلاصه به اهم مسائل و گره‌های سیاسی موجود در درون فدراسیون که به طور مشخص به بعضی از حرکات خطرناک خط میانه و متحدین جدید خط راست و ائتلافی ناقص آنها در اروپا برخورد کردیم. واضح است که نمی‌شود تمام مسائل موجود و تمام روغ و دغها و تعویضات این جبهه متحد راست روان را در این چنین رسانه‌ای آورد مگر اینکه بخواهیم مثنوی هفتاد من کافه شود. در همین حال ماسمی کردیم بعضی از این مسائل را بیشتر بشکافیم زیرا راستروان تصور میکنند که توده دانشجویی در آمریکا را که از شرایط واقعی اروپا کم اطلاع دارد میتوانند بسادگی بیشتری با دروغهای بی سرو ته خود گول بزنند و این سیاست آنها باید مسلما افشا شود. علاوه بر آن بعضی از اتفاقات از قبیل وقایع مربوط به دفاع از جنبش

خلق عمان در ارای اهمیت بسیار فراوانی هستند که توضیح بیشتر اجباری میسر نماند. همینطور است مسئله همکاری با  
 اکبرلیت که در بخش مسائل آمریکا توضیح خواهیم داد. بهر حال که بدون اینکه انتظار داشته باشیم که جواب هر  
 مسئله کوچک که هر دو روح و دغل جبهه متحد راست و میانبرادار میباشیم که همین داریم که اهم مسائل سیاسی  
 کفدراسیون و اتفاقات اروپا را نشانده ایم. این مسائل بطور خلاصه چنین بودند:

از چند سال پیش با ظهور اولین هلائم راست روی مادی و کاه عمیت مسائل رانشخیز میاد آدم و ایفقه خود  
 راستیم که در مقابل این راست رویها ما با هم میمانیم. راست رویان که قادر نبودند همای مبارزات خلق و وظائف خود  
 را در پهنه وید انبساط نمایند در اهل مبارزه مسلحانه خلق ماموضه گرفتند که این موضع که در ابتدا بصورت تروویست  
 نامیدن آنها در درون کفدراسیون شروع شد تا فشار نود و نه انشجوی تغییراتی کرد ولی در واقع در محتوی به  
 راست رویهای پیشروی انجامید و هنوز هم در جهت خلاف منافع جنبش خلق و عالمترین شکل مبارزه ان یعنی مبارزه  
 انقلابی سلحسانه سنگ میاندازند و نیز دفاع بی قید و شرط از مبارزین را نفی میکنند. این حرکات تلهوی از  
 پروسه انشعاب سیاسی - جدائی بینشی - از کفدراسیون و مواضع و دستاوردهای مترقی و بعد امریالیستی ان بود  
 که نتیجتاً در سطوح مختلف و اشکال گوناگون در پاریس خود را ظاهر میزند. از این قبیل بود سر باز زدن خط راست  
 از قبول شعار "سرنوینی رژیم پهلوی" که صنفی ترائی و سیاست زدائی کفدراسیون که از طرف خلق <sup>راست</sup> مطرح میشد و  
 طرح تز دفاع از موجودیت کفدراسیون بجای دفاع از مبارزه و مبارزین که عده کردن "سوسیال امریالیسم" در مبارزات  
 کفدراسیونی و انحراف جهت مبارزات ضد امریالیستی ان که سرپچی از دفاع بدون قید و شرط از جنبش رهائی بخش  
 خلق عمان و درها مثال کوچک و بزرگ دیگر. این انشعاب سیاسی در رجا به انشعاب از مبارزات کفدراسیون و  
 بالاخره انشعاب تشکیلاتی کامل انجامید که همگی نتیجه جبری انشعاب سیاسی خط راست بود. خط راست  
 که قبل از کنگره ۱۶ در چند واحد اروپائی انشعاب کرده بود پس از کنگره مرکزیت در پیران قدر را. چون عمان را خود سران  
 در مقابل مرکزیت کفدراسیون قرار داده و بدین ترتیب به اشکال گوناگون از کفدراسیون جهانی بریده و با فعالیتهای  
 موزیانه و شایعهرائی ها و دروغگوئی های فراوان نیروی خود را در جهت سنگ اندازی در مقابل مبارزات ضد ارتجاعی و  
 ضد امریالیستی کفدراسیون جهانی بسیج کرد.

خط میانه در اروپا نیز در یک پروسه چند ماهه بتدریج از تزلزل دست برداشته و در جهت بیشتر به هم صدائی که همکاری

و همکاری با خط راست برداخت. همین طور در یکی از و نظری که خط رزنده را تشکیل میدادند بخش متزلزلی وجود  
 داشت که خود را برای مدتی در زیر ماسک رزنده کی پنهان کرده بود ولی قادر نبود مبارزه با خط راست را تا آخر پی من  
 ببرد. این بخش متزلزل نیز از این نظریه خط رزنده بریده و جهت مواضع سیاسی وجه در برنامه ها و حرکات خود به  
 توجیه و ترویج خط راست پرداخت.

واما در همین مدت در آمریکا نیز جریاناتی آغاز میافتد که هر چند در شکل تظاهر و محیطهای اتفاق با جریانات اروپا

تفاوت‌هایی دارند ولی در مضمون و محتوی سیاسی همان انشعاب سیاسی از راست و در جهت بریدن از جنبش خلق‌ساز  
میباشند. یکی از تفاوت‌های اوضاع اروپا و آمریکا در اینست که در اروپا رفتاری مابعد تا با خط راست روبرو هستند و خط  
میانه قدر ثانوی بازی میکند در حالیکه در آمریکا این خط میانه است که تریک عمدتاً بر و برتر است و خط راست و میانه  
می باشد. سیاست‌های پیاده شده در آمریکا - از طرف این جناح - نیز باید طبعاً انعکاسی مستقیم تر از برنامه‌های  
خط میانه داشته باشند.

مشخصه سیزده خط میانه (ناشی از خورد و پوروا بودنش) بدینستى همان میانه بودن آن است. این نظریه  
که رفتار ضعف تئوریک که فقدان بهمنش که تحلیل که چشم انداز که و تجربه مبارزاتی قوی و محکم است به شدت دچار عدم  
اعتقاد بخود بوده و نه تنها در مسائل درون کفدراسیون بلکه اصولاً بر سر همه مسائل جنبش دچار ضعف و رولسی که  
توسان و میانه بودن است. سردی اران این نظریه که زمانی ذوق زده فریاد بر میاوردند که جنبش سیاه‌دل لغز راه  
معاصر شهرها از طریق راهات است. بار شد مبارزات و انتشار و اتمعیات مربوط به مبارزه مسلحانه بچنان حرکت پانده ولی  
دست زدند که درست از قطب مقابل جنبش سیاه‌دل سرد را آوردند. و بالاخره کار را به آنجا کشاندند که در رساله‌های  
از بخشی از سازمان‌تئوریک و فیهانه تمام و اتمعیات را تحریف کرد و اعلام میکنند که مبارزه مسلحانه در تئوری و عمل شکست  
خورده است. تجربه تلخ روشن شدن و اتمعیات و تئوریک سخی که نمود بدانش و شی به این پایه و کوبان زد آنها را  
را مجبور به حرکتی پانده ولی و در جهت عکس نمود. این بار سردی اران خط میانه فرصت طلبانه از اصطلاح قبول  
بعضی از تحلیل‌های رفیق شهید یوان دم میزنند و خیر و محیرت زده از اشعه خورشید پر شکوه انقلاب بایک پشتک  
وارو تمام مواضع سال گذشته خود را نفی کرده و اعلام میکنند که مبارزه مسلحانه در ایران پاگیر شده است و هر کس  
که انترناتیو مبارزه مسلحانه را در تئوریک گیرد اکنون نیست خواهد بود. خط میانه که توسعه و پیشم زهر دیده از گذشته  
و نابعه‌ای که اعلام شکست مبارزه مسلحانه در تئوری و عمل برایش بسیار آورد و دیگر جرئت نکرد است هیچ مدون کتبی  
در این مورد انتشار دهد و فرصت طلبانه به تحریف و بدگویی در کوشی و جملات دو پهلو در مقابل توده‌های دانشجو  
اکتفا میکند. خصلت پوپولیستی و عوام‌پرسی - مراء ضعف در تئوری و بینشی طغیان‌سازکی را بوجود میاورد که مجبور  
است در تئوری با وسیله پهنه و التقاطی کوی هر روز جملهای را از جایی به جایی گرفته و تفسیرم عدم همگونی آنها همگونی  
را در کنار هم بعنوان تئوری بخورد و بیزاران بدهد. مواضع دیگر خط میانه نیز چه در مورد جامعه ایران که چسبه  
در مورد مسائل بین المللی و اتمعیات همگی طغیان از مواضع این وان نرود و نظریه‌ایست که ناملاً با سهای وار در کنار  
هم درار گرفته‌اند. هر چند حساسیت خط میانه به مسائلی که از اتمعیات جامعه مانشتند تیرند بهیمن از خط راست  
است ولی بر محور امور تئوریک میانه‌ها بهمان مسائل ارزش‌مبارزاتی آنها را از زمین صبر. دقیقاً این خصلت میانه  
بودن در بیشتر تئوری که تحلیل و مواضع سیاسی خط میانه است که انعکاس خود را در سیاست‌های درون کفدراسیونی  
آنها نیز پیدا میکند. متزلزل و لرزان که مواضع این ویا ان قطب درون کفدراسیون را می پذیرند و در نتیجه منورصد  
تفسیر موع و نتیجه سیاست خود میباشند. این چنین سیاستی طبیعتاً نخواهد و اوست از امید آنگد. در  
سیاست و بیشتر التقاطی هرگز از به دست یابی به نقطه تعادل نیست و اجباراً درن این به پیشانی توده‌های جمع

ندید و در این طقه از پشت و از طرف دیگر به حرکت بسوی یکی از ترات روشن تر و در کون تر درون جنبه خواهد آمد.  
و این درست را همانست که در آنکون در درون گفتند راسیون - روشی کون است.

شمانشور که در جای دیگری در آن نوشته توضیح دادیم و خط یانه در کنگره ۱۶ نهاد راسیون بطور اعمی  
در نوسان بود و بسته به اینکه از چه طرف و گونه فشاری را احساس میکرد تا به مواضع خط رزمند و بسته و نگاه پس  
در مواضع خط راست در سه لطفه و با همین در در بود که خط میانه آنها نتیجه سیاست بود و اینها شمار شرکت همه  
نیروها در رهبری گفتند راسیون - که داشت و باز در بین میآورد که خط یانه از قبول مسئولیت خطیر شرکت در رهبری  
گفتند راسیون سرانجام و نمایند با اثر از همین جهت و ریشه کنگره استعفا داد و طرح مسئله وحدت درون گفتند راسیون  
بدون آنکه قرار باشد مضمون سیاسی اینچنین وحدتی روشن شود بیشتر به این معاطه شایسته داشت تا این موضع  
سیاسی و خط میانه تحلیلی بنیاد درست از خط راست ارائه میکرد و تا قبل از اردوی تابستانی گفتند راسیون خط  
راست را فقط گرایش راست میدانست و اعلام میکرد که خط راست یعنی کمیته مرکزی یا ارتجاع را اگر نیروی را خط راست  
ارزیابی کنیم جای این نظر در درون محفوف گفتند راسیون نخواهد بود ولی پس از مدتی مبارزه سیاسی خط رزمند  
بیکباره از این موضع نیم بند خود عقب نشینی کرد و واقعیت وجود خط راست را قبول کرد و البته پس از این تغییر موضع  
در مورد وجود خط راست دیگر تمیگت خط راست یعنی ارتجاع این اولین تغییر موضع بود که هم در مورد وجود خط  
راست در گفتند راسیون هم در مورد ماهیت آن انجام میگرفت. پس از کنگره ۱۶ نیز خط میانه عواضربانه به تلمیح  
شمار شرکت هم نیروها در رهبری گفتند راسیون و "وحدت گفتند راسیون را حفظ کنیم" برداخته در همان بحثها  
اشکالات سیاسی کهرفتای ما به خط راست میگرفتند نادید و انگاشته شده و بعنوان مسائل کوچک و کناری مطرح میگردد.  
خط میانه مجبور بود که در این سیاست خود به نتیجه خط راست برداخته و اهمیت و تا نسبی مغرب حرکات خط راست  
را کوچک بنمایاند.

حدود دو ماه پس از کنگره ۱۶ زمانی کهرفتای ما در سمینار هوستون در جمع بندی خود از تزلزلها ی  
خط راست در مقابل رژیم صحبت کردند فریاد خط میانه و طرفدارانش به اعتراض بلند شد و واضح بود که همسول  
موانع ما در مورد خط راست اجباراً نلی سیاست خط میانه را نیز در بر خواهد داشت و این برای سروداران سردرگم  
خط میانه خطرناک بود و میتوانست آنها را افشا کند و تنها چاره آنها همین بود که خطر خط راست را کوچک و ناچیز  
جنود کنند اما دقیقاً همین سیاست بود که به خط راست فرصت ادامه حیات و جبروت ابراز نترات راست و دور از  
جنبش خود را میدهد. این سیاست خط میانه که بعنوان حالتی در دفاع از خط راست عمل میکرد و زنه نیروها را در درون  
گفتند راسیون - مواتا - بود این جناح ائتلافی سنگین میکرد و اگر در قبل هنوز کوچکترین امکانی برای حرکت  
مشترک و مبارزه سیاسی علیه نترات انحرافی راست وجود داشت و اگر هنوز این احتمال وجود داشت که در یک حرکت  
مشترک و فاطم جلوی برو سرزند و تکرین و سیاستان تازه شدن راست رویهای این بخش از گفتند راسیون گرفته شود و سیاسی  
که از طرف خط میانه در پیش گرفته شده بود و سیاست وحدت برای وحدت و سیاست فراموش کردن ضرورت مبارزه سیاسی

علیه خطر راست و بالاخره سیاست وحدت و ائتلاف با خطر راست این احتمال را بسیار ناچیز نموده و حتی شاید امکان  
 جلوگیری از این پروسه را نغی میگردند. نتیجه اجباری اینچنین سیاستی فرصت دادن به خطر راست برای تکمیل  
 انشعاب سیاسی خود و انجام انشعاب تشکیلاتی مربوطه است. درست در رتوان سیاست خط میانه بود که فاصله  
 کوناعی بعد از نگره ۱۶ گفتد راسیون خطر راست فرصت کرد در اروپا وسط انشعاب تشکیلاتی اثر را درند راسیون  
 العان انجام داد و به برنامه های ضد گفتد راسیونی ای ببرد از آن که در وقت نبل به آنها اشاره کردیم. اما این دستور  
 امکان کافی برای ابراز هم منطقات خطر راست را ارائه نمیداد. رد و پند های سیاسی و بالاخره ائتلاف راست و میانه  
 مدتی پس از این جریان و پس از انشعاب بخشی از آن نظر خط رزمند از این خط بصورت ائتلاف نامیون آنها  
 ظاهر شد. نمایندگان خط میانه با اعتقاد و پشتگرمی به قول و قرارهای خطر راست یکبارگی اعلام کردند که "چهارینجم  
 گفتد راسیون حواهان تشکیل تنگرم مشترک است" و اعلام کردند که بهر شکلی و تحت هر شرایطی "تنگرم مشترک گفتد راسیون"  
 را در ظرف مدت یکماه تشکیل خواهند داد. در نتایج بدگشته این هارت و پورتهای خط میانه بچگانه و ضحک  
 و اسفناک بنظر میرسد که بهر حال برای جنبش ما تأثیری پس ناگوار داشت.

ما از همان ابتدای اعلام این مسئله از طرف خط میانه اعلام کردیم که این موضع یعنی انشعاب از گفتد راسیون  
 در زمانیکه واحد های مختلف خطر راست در اروپا از گفتد راسیون انشعاب کرده بودند و در زمانیکه عملاً هیچ گونه همکاری  
 با خطر راست نمیشد و در زمانیکه خطر راست به انواع مختلف عدم تعامل خود راه داده است همکاری مشترک نشان داد بود  
 اعلام تنگرم مشترک فقط یک مانور هوا فیهیانه بود. فشارهای سیاسی ما مطابق معمول کار خود را کرد و خط میانی  
 حرکت پانده و بهتر را آغاز نمود. بعد از فقط یک هفته از اعلام تنگرم انشعابی "بهوشکل و در هر شرایطی" خط میانه  
 مواضع خود را تعدیل نمود. این بار اعلام شد که تنگرم مشترک گفتد راسیون از طریق قانونی (نه به روشنگری و در هر  
 شرایطی) گفتد راسیون و در ظرف یک ماه تشکیل خواهد شد. باز هم لاف زدند نهیای بچگانه و کوشیهیانه شروع شدند.  
 سردمداران خط میانه اعلام کردند که هم قدرتش را دارند و هم تجربه اثر را و هم کلکهای پارلمانیش را بلدند که چگونه  
 تنگرم را تشکیل دهند (ناگفته نماند که ما تا آن موقع نمیدانستیم پارلمانیش بودن جزو اختیارات خط میانه است).  
 سرنوشت تمام این لاف و کزافها را اکنون پس از گذشت حدوداً سه ماه (ونه بیست ماه) همگی مایه انیم. اینچنین  
 کنگره ای هرگز تشکیل نشود. درست با تحلیل از این نتایج فاجعه امیز حرکات خط میانه است که ما به آنها حق میدهم  
 اینجه به خود بی اعتماد باشند. این تازه بیدار شدن آنهاست که در این کوتیبن تا حالا یک پیش بینی درست و حتی یک تحلیل  
 صحیح از گذشته خود هم برای نمونه ارائه ندادند. اما تحلیل از این واقعه برای درک بسیاری از مسائل موجود در  
 درون شفر را چون اهمیت فراوانی دارد. جبهه ائتلافی راست میانه (که از این بعد بطور خلاصه انرا جبهه  
 ائتلافی خواهیم نامید) خط رزمند و شفر راسیون راه انشعابگری ششم میکنند.

ما برای یک لحظه فرس میگویم که این اتهام درست پانده ولی باز هم این مسئله علل این سرنوشت تنگرم مشترک  
 را که بهر هم رهبران جبهه ائتلافی چهارینجم بوده های گفتد راسیون را در بر میگیرند توضیح نمیدهد. واضح است

که زمانی که تصمیم به تشکیل این کنگره اعلام شد تمام زد و بند ها و صحبت های پشت پرده بین راست و میانه انجام گرفته بود . واضح است که ما ستم به انشعابگر - در این جنبه ائتلافی شوکت نه انشیم پرچم شد که حتی بدون شرکت "انشعابگران" جنبه ائتلافی موفق به تشکیل کنگره مشترک خود نشد ؟ این سؤال را رهبران جنبه ائتلافی هرگز نرسین نداده اند . اما جواب مابعدین سؤالات بسیار واضح و روشن است . خطر راست انشعابگر اصولاً بیشتر از آن در انشعاب - ود پیشرفته ود که حاضر باشد در هر چهارچوبی که پیش از مواضع گذر راسیون بود میباشد از این فعالیت بدهد . خطر راست که از بد تها پیش انشعاب سیاسی خود را از جنبه به انجام رسانده بود ، که علاوه بر آن مرکزیت گذر راسیون همان را در بنیال مرکزیت گذر راسیون قرار داده بود نه قادر بود و نه حاضر که تشکیلات گذر راسیون و مواضع ود ستاره د های آنرا حفظ کند و یا حتی قدمی در این راه بردارد . سکوت مطلق خط میانه در توضیح علل شکست این برنامه که همان کنگره ود بد به اعلام شد فقط و فقط یک دلیل میتواند داشته باشد . اگر انشعاب قبول کنند که خط راست اینچنین انشعابگری کرده است در واقع تمام سیاست های گذر راسیونی خود را بر پایه منهایند . آنها که بخاطر روشکستی سیاسی شان فقط میتوانند بر ما انشعابگری بزنند نمی خواهند و نمی توانند این آخرین حریم اساسی بزمین بگذارند . آنها هر چه ای را که در دستشان بود بلند کردند و بیفایده گی وی تاثیرش را سنجیدند . متحدین جنبه ائتلافی ، بهرمانه ما را در زیر این پرچم وان برچم و یا این نیرو و نظر درون و بیرون از گذر راسیون اعلام کردند اما حریفشان کند وی فایده نبود . آنها با وقاحت تمام و تحریف حقایق کوشش نمودند که ما را وابسته یا طرفدار یا "محو صلابت سوسیال امپریالیسم" وانمود کنند ولی مواضع قاطع ما در قبال دولت فاسد خلقی و ضد انقلابی شوروی این حریم را نیز کند وی اثر کرده است . آنها حتی به قیمت بی اعتبار کردن خود شان هم کشنده حاضر نیستند این آخرین حریم را این جهت انشعابگری - که معلوم نیست بر پایه چه تحلیل سیاسی و انتقادی افتد - را از دست بدهند . و نتیجتاً سکوت محض در مقابل علل شکست برنامه انشعابی تشکیل کنگره مشترک که از طرف جنبه ائتلافی اعلام شده بود تنها راه فرار خط میانه است .

اما این اعلام موضع خط میانه از طرف جنبه ائتلافی در دارای اثرات معین نیز بود که کاملاً مطابق میل و خواسته و برنامه خط راست انجام میگرفتند . از این به بعد خط راست پرچم از حرکتی شد که خط میانه بیشتر و بیشتر از آن در نهاله روی مینمود . تا قبل از اعلام این موضع شرایط امریکا هنوز با اروپا تفاوت های داشتند . واحدهای مختلف سازمان امریکا هنوز در دوران حرکت انشعابگرانه خط راست نیافتاده بودند . هنوز روزنه های از امید و امکان ادامه حرکت مشترک وجود داشت . ولی این اعلام موضع خط میانه بنمایندگی از طرف جنبه ائتلافی سیر وقایع را بسیار تسریع نمود و پیوسته انتقال حرکت انشعابگرانه خط راست از اروپا به امریکا که توسط خود خط راست امان نه داشت وسیله خط میانه آغاز گردید . از این زمان به بعد و سرمنی بسیار زیاد تمام وقایع و اتفاقات انشعابگرانه اروپا توسط جنبه ائتلافی در امریکا تکرار گردیدند . این ائتلاف نامقدس و ناسیون انشعاب تشکیلاتی گذر راسیون را در دل میپروراند .

شرایط بسیار حاد و انشعابی جدید در امریکا فرصت لازم را به خط راست میداد که مواضع خود را بازتر و روشنتر و در سطحی وسیعتر اعلام نموده و تبلیغ نماید. در بریتو شرایط بحرانی جدید و درست در اولین فرصت پس از اندام کنگره انشعاب بود که بهر بین الطلی سازمان امریکا ( نماینده و ولند گوی خطر راست ) در کنگرانس شمال کالیفرنیا اعلام میکند که همکاری با سازمان اکثریتیگ افتخار میکند. او همکاری با سازمانی را وظیفه انئوناسیونالیستی خود میداند که در روزنامه ارگان خود بنام *The Ceck* در حمایت از رژیم شاه می نویسد: " امروز مردم ایران و دولت ایران قدمهای مهمی در جهت دفاع از ضافع ملی خود برداشته و در حال گسترش مبارزات خود علیه کنترل استثمار امپریالیستهای مختلف بخصوص سوسیال امپریالیسم شوروی که بهار تگرتر و خدایراناکترین امپریالیسم در منطقه است. تبدیل گردیده میباشد. و باز سازمان اکثریتیگ همان سازمانی است که معتقد است که عملیات دولت ایران و دیگر کشورهای خلیج در جهت بازس گرفتن مواد طبیعی با ارزشتر خود از دوان امپریالیستی باید مورد پشتیبانی و عام طبقات کارگر جهان قرار گیرد. " به عبارت دیگر اکثریتیگ میگوید شاه و امثالهم - مثلاً " طک فیصل و یا طسک خالد در عربستان - بر علیه امپریالیسم و برای حفظ منابع نفتی خود میجنگند و سپس واپس طبقات کارگر جهان را پشتیبانی از این " مبارزه علیه حضرت همایونی ضد امپریالیست و ضد سوسیال امپریالیست " تعیین میکند. اینچنین تبلیغی برای رژیم " دقیقاً " از همان ماه تبلیغاتی است که لاشائی در اجناسی های خائن در سطح ملی انجام گرفته می دهند و البته اینچنین تبلیغی فقط در مورد رژیم ایران انجام نمیگیرد. درست برعکس اکثریتیگ و شتابان اروپا چون هومانیته روز دو فرانسه اول تز عمومی سازش طبقاتی با ارت. اخ را برای خود توجیه می کنند و پس در زمینه های مختلف و در اینجا در مورد ایران به پیاده شدن این تز ارتجاعی را علم میکنند. سازمان اکثریتیگ تحت عنوان مبارزه با سوسیال امپریالیسم حاضر است هر جنبشی انقلابی و ضد امپریالیستی را طرد و نفی کند. اکثریتیگ در مورد جنبش رهایی بخش رمان می نویسد: " اتحاد جماهیر شوروی که با چنین شرایطی روبروست دست به تشدید عملیات توسعه طلبانه خود در منطقه زده و میلیونها دلار به با اصطلاح جنبش رهایی بخش منطقه سرانبر کرده است. " از یک طرف این خائن به امر انقلاب و طبقه کارگر و این ملخمن سازش طبقاتی در سطح جهان جنبش رهایی بخش خلق عمان را با اصطلاح جنبش رهایی بخش می نامند و از طبقه کارگر جهان میخواهند که شاه را در مبارزه ضد امپریالیستی از پشتیبانی کند و از طرف دیگر خط راست با سو استفاده از شرایط بحرانی درون کنگد راسیون و ارتباط با این سازمان را وظیفه انئوناسیونالیستی خود میداند.

خط راست که در شعار " با با خن علیه سوسیال امپریالیسم و با سوسیال امپریالیسم علیه خلق و وارد بگری نیست " در حقیقت همین عمده کردن شوروی و پایه سازش طبقاتی را در ظاهر می چپ می کند اکنون به همکاری با این سازمانها پرداخته و وقیحانه با سو استفاده از ترمیمهای سازمان دانش و با ایران امریکا برای این سازمان پیام همبستگی روز اول ماه صادر میکند. این قدمهای اولیه ایست که در صورت ادامه آن تنها یک



نتیجه خواهد داشت و آن هم کشیدن کفدراسیون به ضلایب سازنر با رژیم در مشر پهلوی است . اینجاست که تاریخ حرکت کفدراسیون صحت نظرات ما را در مورد مبارزه بی امان با خطر راست و خطرات رشد این خط ناپید و تعدیق میکند . و باز همین جا است که این دوره گردان میانه در مانده و حیران علیرغم تلاشهای خود مجبورند در هم ریخته شدن تمام ترها و نشوونمای قلابشان را در مورد علق بحران کنونی کفدراسیون مشاهده کنند . کسانی که فقط چهار ماه پیش در سمینار هوستون به ما معترضان فریاد میزدند که چرا میگوئید خطر راست در مقابل رژیم متزلزل است اکنون خود مذبحخانه و دویپلو همان جملات را در قالیهای تازه ای بکار میبرند . این نوسان دائمی خط میانه در همه جا و همه چیز ظاهر میشود و فقط زمانی خانه یافت که خط میانه آن موقع حتی اگر برای نمونه هم که شده بالاخره یک باریک تصمیم قاطع و نهائی بگیرد . و خط میانه بالاخره این تصمیم را در گردش به راست اتخاذ کرد .

هیات دبیران سازمان امریکا اولین میدان آزمایش برنامہ اشتعاب جیبہ ائتلافی بود . برنامہها و نظرات و مسائل که از طرف دبیر فرهنگی سازمان امریکا مطرح میشدند همگی مورد مخالفت مجموعه دبیران جیبہ ائتلافی بودند . قلعنامہهای پیشنهادی دبیر فرهنگی در رابطه با محکوم کردن اکثر لیگ و محکوم کردن اعمال تند کفدراسیونی دبیر بین الطلی از طرف جیبہ دبیر جیبہ ائتلافی رد میشدند . بایکوت مالی کفدراسیون که از طرف خطر راست در اروپا برآه افتاده بود تحت عناوین مسخرهای در امریکا نیز برآه افتاد نا شاید بتواند جلوی مبارزات رزنده کفدراسیون جهانی را بگیرد .

زهدسی خیال باطل بسیاری برنامہهای تخریف دروغ و شایعه پراکنی از طرف جیبہ ائتلافی مطرح میشوند که ما نمونههای همه آن را در بخش اول این رسالہ یاد کرده ایم . اما در میان همه این مسائل بروسه طرح سازنر با رژیم در درون کفدراسیون عمدترین و حساسترین مسئلهای بود که در امریکا بصورت مواضع و عملکرد خطر راست نسبت به سازمان اکثر لیگ نظاهر یافت . نمونههای دیگری از همین سازنرها در اروپا نیز وجود دارند . این سازنرها علائم اولیه قبول تز سازنر طبقاتی را در خود دارند که اگر با آنها برخورد قاطع نشود و جلوی رشد این عناصر سازنر نگاری گرفته نشود مسلما به خیانت و ضد انقلاب بدری غلطند . رفقا وجود سازنرهای سازنرکار در سطح جهان چیز چند آن تازه ای نیست و هر از چند گاهی نمونههایی از این سازنرکاران در صحنه بین الطلی ظاهر میشوند اما آن چه که تازه است و برای کفدراسیون جهانی نیز دارای اهمیت فراوان است اعلام و اجرای همکاری و همبستگی با این سازنرها است که در صورت وقوع مکرر آنها در کفدراسیون میتواند کفدراسیون را به سازنر با رژیم بکشد . یک کفدراسیون سازنرکار دیگر کفدراسیون متشکل کفده نوده رزنده و دانشجویی نیست . مهمترین و اساسترین مسئلهای که از نظر ما در برخورد به کفدراسیون اهمیت دارد حفظ بسط و تعمیق مضمون مبارزاتی آنست . ما شکل تشکیلاتی کفدراسیون را فقط بصورت یک عامل ثانوی در رابطه با حفظ تعمیق مضمون مبارزاتی آن مهم میدانیم . اگر قرار باشد که در این مضمون مبارزاتی خدشه و خلل وارد آید آن سازمان دیگر نمیتواند در برگیرنده نوده دانشجویان صادق و رزنده ای باشد که میخواهند به امر انقلاب خدمت کنند . ما با الهام از مبارزات قهرمانانه خلق و سازنرهای انقلابی مسلح ایران عمدترین مشخصه کفدراسیون را در مضمون سیاسی آشتی نا پذیری با رژیم خائن پهلوی و اربابان امریکاییست . ما موضع سرنگونی رژیم را که در مشور آمده است نه برای تزئین مراسم آشتی با رژیم بلکه برای بدست آوردن چشم اندازی انقلابی برای رسیدن به برنامہهایی در خدمت مبارزات انقلابی خلق مهم میدانیم .

ما با اعتقاد به مبارزات انقلابی مسلحانه و با اعتقاد به پیروزی نهائی نودههای زحمتکش معتقدیم که باید همه امکانات خود را در خدمت مبارزات انقلابی زحمتکشان ایران قرار دهیم . از نظر ما هر گونه سازنرکاری با رژیم پهلوی و در هر سطح و با هر پوشش چپ نمای سرخ رو و سفید اندر روشی که انجام گیرد محکوم و غیر قابل تحمل است . ما بدین داریم که این موضع برای نودههای دانشجویی رزنده نیز کاملا قابل فهم و درک بوده و نتیجتا علیرغم تمام هوشگراییها بدین نگرانی از امکانات لحظهای و مرحلهای خود مطمئن هستیم که پیروزیها ما است . در زمانی که سازنرهای

انقلابی مسلح عالیترین شکل مبارزه را در دستور کار خود قرار داده اند طبع مبارزهای آشتی نا پذیر با رژیم

و امپریالیسم راهی را در جلوی پای خود نمی بینیم . سازمان پر افتخار مجاهدین خلق ایران در مورد اعدام دو مستشار امریکائی میگویند : " امپریالیستها و نوکران داخلی آنها باید بدانند که اگر خلق کبیر ویتنام سی سال مردانه جنگید تا آزادی و استقلال خود را بدست آورد اکنون ما حاضریم صد سال جنگیم . اگر امپریالیسم تا کردن در مردابهای ویتنام و هند و چین فرو رفت ما حاضریم تا فری سر او را در گردابهای اقیانوس هند فرو ببریم . آری خلقهای غرب آسیا کورستان بسیار فراختری را برای امپریالیسم و تمام دست نشاندگان محلوآن تدارک بداند " درود بر این انقلاب بین راستین که این چنین به ما درس آشنی ناپذیری با رژیم ارتجاعی پهلوی اربابان امپریالیستی اثر را میدهند .

رقیبت در این شرایط در این مرحله تنها آن نظرات و نیروهای قادر به رشد و ادای مبارزه خواهند بود که قاطع ترین و بی امان ترین خط کسی ها را بین خود و ارتجاع بین خلق و ضد خلق بین زحمتکشان مستعبد و امپریالیسم تعیین و تثبیت کرده باشند . همه نظرات انحرافی و عقب مانده ای که نتوانند همای جنبش انقلابی خلق حرکت کنند تنها و وامانده در صحرائی خشک و بی آب و هلف در شبی تیره و تاریک در از خورشید پر شکوه انقلاب به زباله دان تاریخ سپرده خواهند شد .

مبارزه قاطع خطر رزنده و افشاکری وسیع و توده ای در مورد همگی این مواضع و سیاستها سرعت آخرین سنگرهای دفاعی جبهه ائتلافی را از آنها گرفت . تنها راه باقی مانده برای جبهه ائتلافی تسریع پیرویه انشعاب و اجرای انشعاب تشکیلاتی بود . آنها دیگر قادر نبودند و نیستند که در طی یک پیرویه بحث و مبادله نظر سیاسی و طولانی تاب بیاورند . اینجاست که اکثریت هیات دبیران امریکا بعنوان دومین اهرم و با استفاده از ابزار صرفا تشکیلاتی دست به عملیات ضد کنفدراسیونی زد و انواع حیلها و دیوهای تجربه ننده در فدراسیون آلمان را در امریکا بکار بردند . نمونه سازمان کنسول و جبهه ائتلافی این واضح ترین و یکی از مرکزی ترین برنامه های آنها بود . سه نفر هیات دبیران جبهه ائتلافی سازمان جنوب موازین تشکیلاتی کنفدراسیون را زیر پا گذاشته و حتی هیات مسئولین کنفدراسیون جهانی را غاصب و جامل اعلام کردند . ایجاد گفتگو در جلسات سازمان و بکار بردن فعالیتها و اعمال رکیه نه تنها غیر سیاسی بلکه کاملا لومپنی و حتی براه انداختن رد و خورد در محیط سازمان کار روزمره این جبهه ناممکن شد .

جبهه ائتلافی دو بار از دو جلسه سازمان انشعابگرانه بیرون رفت و از همکاری با دو دبیر دیگر سازمان و اکثریت نوده های عضو کاملا خود اری منبود . در چنین شرائطی دو نفر رفتای ما در هیات دبیران سازمان کنسول و جبهه ائتلافی در نظر گرفتن تمام موازین سیاسی و تشکیلاتی طی اطلاعیه های از حقوق قانونی خود استفاده کرده و تقاضای جلسه عمومی جدید برای رسیدگی به وضع سازمان و انتخاب هیات دبیران جدید نمودند . در این اطلاعیه رفتای ما با اعلام قبول هیات مسئولین کنفدراسیون هیات دبیران سازمان امریکا اعلام هم بستگی و پافشاری بر روی تمام مواضع و موازین و دستاورد های کنفدراسیون جهانی پس از توضیح عدم همکاری نمایندگان جبهه مؤتلفه با دو نفر دبیر فوق الذکر پس از توضیح مسائل سیاسی که در جلوی پای خود می بینند تقاضا میکنند که مجمع عمومی فاصله دو هفته تشکیل

شود . این عمل رفقای ما نه تنها از نظر موازن تشکیلاتی بلکه از نظر موازن سیاسی نیز کاملا منطقی و در چهار چوب موازن کفدراسیون انجام گرفت . اما اکثریت هیات دبیران سازمان امریکا - جبهه ائتلافی - با زیر پا گذاشتن همه موازن و دخالت در امور داخلی سازمان این جلسه را انشعابگر و ضد کفدراسیونی نامیدند . درست یک روز قبل از موعد تشکیل جلسه عمومی دبیر تشکیلات سازمان امریکا نماینده میانه سابق بدون ارائه هیچ دلیل منطقی صرفا با جملاتی از قبیل " هیات دبیران این چنین تصمیم گرفته است " و یا " این نظر دبیر تشکیلات است اگر حرفی دارید در کنگره بگوئید " این جلسه را ضد کفدراسیونی اعلام میکند . این حد اعلای ورشکستگی سیاسی است که در هر موضوع و هر جا که کمیته جبهه موافقه لنگ میشود به چماق تشکیلاتی متوسل میشود . از اکثریت نمایندگان ( جبهه ائتلافی ) در کنگره سازمان امریکا دم میزند و خلاصه به هر دری میزند که با سوء استفاده از امتیازات تشکیلاتی و مواضع تریبونهای نعت اختیارنر سازمان امریکا را به انشعاب بکساند . جبهه ائتلافی در انشعابنا - پندگان برای کنگره سازمان امریکا در واحد هوستون نیز دقیقا همین برنامه را پیاده کرد . به این خیال واهی که رفقای ما را از شرکت در کنگره و تماس با توده ها محروم نماید . جبهه ائتلافی در واشنگتن نیز از تلاش مذبحخانه و اتحاد کامل بین راست و میانه دست نکشیدند که یک نمونه آن را در عملکرد جبهه ائتلافی در کمیته منطقه ای شرقی مشاهده میکنیم . خط میانه در شیکاگو و خط راست در نیویورک نیز هر کدام از راهی انشعاب کردند . اولی با ایجاد گروه های تشکیلاتی و مالی و دومی با قبول و اعلام ورشکستگی سیاسی .

**رفق** کنگره سازمان امریکا در زمانی اتفاق می افتد که در اکثر واحد های بزرگ آن یعنی لوئیزیانای شیکاگو هوستون و نیویورک انشعاب تشکیلاتی نیز انجام پذیرفته است . بسیاری واحد های دیگر سازمان امریکا نیز به همین سرنوشت دچار شده اند . این شرایط نمونه زنده ای از پیروزی خط راست در اجرای برنامه انشعابگرانه و ضد کفدراسیونیش میباشد که اکنون در امریکا اتفاق می افتد .

خط میانه نیز که زمانی دم از وحدت میزد بعد از پشتک واروهای فراوانی که از حوصله این رساله خارج است اکنون وقیحانه دم از ترسه مرکزیت میزند . مطابق این ترسه مرکزیت در جنبش دانشجویی خارج از کشور وجود دارد . اولی مرکزیت کفدراسیون ( خط رزنده ) دوم مرکزیت کفدراسیون آلمان ( خط راست ) و سوم مرکزیت سازمان امریکا ( خط میانه ) . این سرنوشت همه متزلزلین تاریخ است که هر روز سر از گوشه ای در آورند و دم از چیزی بزنند که تا دیروز با آن مخالفت میکردند و یا افلا ادعای مبارزه علیه آن را داشتند . خط میانه نیز از این سرنوشت ببری نماند . همان - نهائی که فقط چند ماه پیش تنها دم از وحدت میزدند اکنون حامین انشعابند . اکنون چند تکه شدن کفدراسیون را تئوریزه میکنند . اینها اکنون دیگر عملا تسلیم خط راست شده . در زیر پرچم خط راست همان سیاستها را بازی میکنند و تمام جنگ زدگی راست با اینها و آنها با راست در محنوی سیاستها و برنامه هایشان هیچ گونه تغییری نمیدهد . آنها وقیحانه اعلام میکنند که در سازمان امریکا از این پس باید زیر پرچم ما مبارزه کنید . غافل از آنکه ما خط رزنده کفدراسیون علیه این پرچم - علیه پرچم انشعاب سیاسی و تشکیلاتی - مبارزهای قاطع و برآمان را سازمان خواهیم داشت .

ما میدانیم که علیرغم همه حقایق که بر سر مردم جبهه ائتلافی نیز همانند گذشته به عوامفریبی پرداخته و تلاش مذبحخانه‌ای را در جهت شایعه پراکنی تهمت و افترا راه انداخته و ما را انشعابگر خواهند نامید. آنها کوشش خواهند کرد که با این برچسبها باز هم جهت مبارزاتی قاطع توده‌های انشجویی را منحرف کنند. اما در این معرکه بازنده خواهند بود. همانطور که گفتیم ما بر علیه این انحرافات مبارزه خواهیم کرد و باز هم همانند گذشته معتقدیم که عمده‌ترین حربه مبارزات سیاسی نه اداه بحثهای انحرافی جبهه متلفه بلکه دامن زدن به مبارزه توده‌ای وسیع بر ضد رژیم خائن پهلوی و امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا است این بزرگترین و قاطع‌ترین مبارزه بر ضد خطر راست خواهد بود. این توده‌های وسیع و مبارز و انشجویی هستند که در این روند تصمیم خواهند گرفت که چه کسی انشعابگر است. ما میدانیم که پس از این انشعاب راست‌روان برای مدت کوتاهی به فعالیتهایی دست خواهند زد که مبارزه دلفی نبوده بلکه رقابت "دلفی" مانور و عوامفریبی "دلفی" خواهد بود. اما از آنجا که ماهیت راست‌روان جبهه ائتلافی بر ما روشن است ما یقین داریم که در آینده‌های بسیار نزدیک راست‌روان - آزاد شده از چهارچوب سیاسی کنگره راسیون - اجباراً در جهت ابراز ماهیت واقعی خود و دور شدن علنی از موازین جنبش و دستاوردهای کنگره راسیون قدم بر خواهند داشت.

آری رفقا! تنها در یک مبارزه سرسخت و طولانی بر ضد رژیم ارتجاعی شاه و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا است که ما می‌گوییم

خوشتر بود گر محک تجربه آید بهمان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

در این محک تجربه است که تاریخ بار دیگر ماهیت واقعی فرصت‌طلبان را روشن خواهد کرد. و ما معتقد و مصمم به حفظ دستاوردهای جنبش انقلابی خلق و دستاوردهای کنگره راسیون جهانی در این سنگر مبارزاتی وظایف و رسالت خود را نسبت به جنبش ادا خواهیم نمود. ما با اعتقاد به دفاع بی‌قید و شرط از مبارزه مبارزین و تشکیلاتی رزنده در جهت ادا ای رسالت خود حرکت می‌کنیم و در این رابطه دفاع دموکراتیک از مبارزه مسلحانه و سازمانهای پیشرو پيشاهنگ خلق سازمانهای انقلابی مسلح را وظیفه جنبش خود میدانیم. ما دفاع بی‌قید و شرط از تمام جنبشهای آزاد پیش انقلابی و ضد امپریالیست را وظیفه جنبش انشجویی دانسته و در این رابطه وظیفه میبندی و انترناسیونالیستی خود میدانیم که با همه امکاناتمان بدفاع قاطع از انقلاب مسلحانه و توده‌ای خلق عمان برهبری جبهه خلق برای آزادی عمان بپردازیم.

ما معتقدیم که سختی‌های این میدان مبارزه امروز تونیسیا بی‌عملان پرگو منحرفین و راست‌روان را تصفیه خواهد کرد.

ما معتقدیم که علیرغم مشکلات کوتاه مدتی که این حرکت انشعابگرانه راست‌برای جنبش و انشجویی دموکراتیک توده‌ای ضد امپریالیستی ما بوجود می‌آورد از آنجا که جنبش ما در خارج از کشور در تبعیت از مبارزه انقلابی خلق و ملهم از مبارزه آزادی‌خواهان آنجا که تا زمانیکه مبارزه ما از جنبش انقلابی خلق ما الهام بگیرد و خود را در مقابل آن مسئول بداند این

جنبش مسلما پیروز و سر بلند بهرین خواهد آمد این امر بد با مبارزه و اعتقاد به مبارزه مسلحانه و توده‌ای با مبارزه بی‌گهر و سر سخت به امر نیک تبدیل میشود .

با ایمنان به پیروزی راهمان

سرتگون باد رژیم ارتجاعی پهلوی

مردم امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و سگهای زنجیرش

محکوم باد سیاست ضد خلقی شوروی

زنده و پیروز باد مبارزات انقلابی خلقی زحمتکش ایران

آهنرسان باد ضمت رنجبران

گسترده تر باد مبارزات پرشکوه سازمانهای چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق و دیگر سازمانها و گروههای

انقلابی درون کشور

درود و افتخار بر تمام شهدای راه خلق و رزندگان که در زندانهای رژیم نبرد میکنند

پیروز باد انقلاب مسلحانه توده‌ای در عمان بر رهبری جبهه خلق برای آزادی عمان

فشرده تر باد همبستگی مبارزاتی سازمانهای انقلابی خاور میانه

رزنده تر باد دفاع بدون قید و شرط کفدراسیون جهانی از مبارزات انقلابی در ایران و عمان

پاینده و پیروز باد وحدت رزمنده جنبش دانشجویی

اتحاد مبارزه پیروزی



رفیق شهید بیژن جـزنی  
از بنیانگذاران جنبش سلححانه خلق در ایسـران

از انتشارات دایره فرهنگی سازمان دانشجویان ایرانی در امریکا